

آیا تحصیلات، مانع برای کارفرینے است؟



آرش نوروزی

سرشناسه	: نوروژی، آرش، ۱۳۷۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: آیا تحصیلات، مانعی برای کارآفرینی است؟/آرش نوروژی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات ماهواره، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۹-۰۴۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۷۶.
موضوع	: کارآفرینی- از تحصیل به کار- موفقیت در کسب و کار
موضوع	: Entrepreneurship- School-to-work transition
رده بندی کنگره	: HB۱۵/۶:۹۱۹ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۸۷۴۱

عنوان کتاب: آیا تحصیلات، مانعی برای کارآفرینی است؟

مولف: آرش نوروژی

ناشر: ماهواره

نوبت چاپ: اول بهار ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۹-۰۴۱-۹

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

تهران، میدان فاطمی، خیابان چهلستون، دفتر مرکزی انتشارات ماهواره،

۰۹۳۰۰۵۹۸۶۲۷

حق چاپ برای انتشارات ماهواره محفوظ است.

فهرست

- مقدمه ۷
- آیا درس بخوانیم؟ ۱۱
- درس یا کارآفرینی، انتخاب با شماست؟ ۳۷
- شما کدام را انتخاب می‌کنید، مدرک یا سرنوشت؟ ۶۹
- منابع ۷۳

مقدمه

همیشه از بچگی دوست داشتم پولدار باشم. نمیدونم، اما فکر می‌کنم توی اون دوران نه چندان خوش کودکی برای من، از نظر فکری نسبت به هم سن و سال‌های خودم خیلی تفاوت داشتم.

خیلی از بچه‌ها با دیدن یک برنامه کودک، که من اصلاً بهش علاقه‌ای نداشتم یا یک اسباب بازی ساده آروم می‌گرفتن. اما من همیشه دوست داشتم وسایل گرون قیمت یا چیزهای خاص داشته باشم که کسی نداشته باشد. شاید خیلی از شماها هم دوران کودکی‌تان مثل من بوده، پس خیلی خوبه که از این نظر همدیگرو به خوبی درک می‌کنیم.

خیلی دوران بدی رو با خانواده از لحاظ مالی سپری کردیم. تصورش را کنید، کودکی که عاشق فوتبال بازی کردن است ولی کفش‌های مخصوص فوتبال را ندارد و هر روز از جلوی درب فروشگاهی عبور می‌کند که او را به زمین تمرین می‌رساند و کفش‌های زیبا در انواع رنگ‌های مختلفی که حتی توان پرداخت کفش رنگ پریده‌ی آن را هم نداشت، چقدر می‌تواند سخت باشد.

وقتی از پدر یا مادر یا بزرگتری سوال می‌کردم که چرا ما پول نداریم، جوابی که از اون‌ها می‌گرفتم این بود: به هر حال اونا اینطوری هستند دیگه!!! اما گاهی وقت‌ها هم جواب دیگه‌ای می‌شنیدم که لابه‌لای حرفاشون می‌گفتن اونا درس خوندن، مدرک دارن، لیسانس و فوق لیسانس گرفتن، پس تا حدود خیلی زیادی فهمیدم که فقط با درس خوندن و تحصیلات که میشه به همه چیزهایی که می‌خواهم برسم. شروع کردم به درس خوندن بیشتر، معدل بالاتر رفت. به همین صورت ادامه دادم تا اینکه به دوره نوجوانی و جوانی رسیدم.

وقتی در سن نوجوانی بودم و ۱۷ یا ۱۶ سال داشتم، کمی بیشتر با دنیای اطرافم

آشنا شدم. بارها و بارها این سوال را از خودم می‌پرسیدم که چرا باید هر روز صبح زود بلند شوم و به مدرسه بروم، چرا باید شیمی بخوانم، من که به آن علاقه‌ای ندارم.

بالاخره تصمیم گرفتم تا دوران دبیرستان را تمام کنم و وارد دانشگاه شوم. حتماً آنجا خیلی بهتر می‌توانم نسبت به علاقه‌ای که دارم پیشرفت داشته باشم و نکات جدیدی را یاد بگیرم.

چیزی که من در مدرسه میدیدم، دنیایی به روز در مقابل سیستم آموزشی کهنه و قدیمی که فقط حوصله سر بر بود. پیش خودم گفتم شاید در دانشگاه چهره جدیدی و دانش نویی را آموزش ببینم، اما دو جلسه کافی بود تا پیش خودم بگم: صد رحمت به مدرسه. نمیدانستم چه کنم. از بچگی تمام انرژی خودم را به درس خواندن گذرانده بودم. بعد از مطالعات و پیگیری‌های بیشتر سراغ افرادی که مدرک دانشگاهی مناسبی داشتند رفتم.

با آنها صحبت‌هایی داشتم و دیدم که با این همه سواد و علم نتوانسته‌اند کاری کنند. سال‌ها از عمر خود را با کیف و کتاب گذرانده‌اند اما حالا با مدرکی عالی در شرکتی معمولی با درآمدی ناچیز کار می‌کنند. فرد دیگری را دیدم که فوق لیسانس علوم سیاسی داشت، به دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط کامل داشت، دانش و اطلاعات فوق العاده‌ای در زمینه تحصیلی خودش و حتی در زمینه‌های دیگر داشت، اما کارگر مغازه‌ای بود که صاحب آن سیکل هم نداشت!!!

از همان‌جا برایم این سوال پیش آمد که چطور یا چرا باید فردی که سواد کافی ندارد بر فرد دیگری که سواد و اطلاعات و علم صدها برابری نسبت به او دارد برتری مالی داشته باشد. این سوالات و ابهامات من همزمان شد با شروع ترم سه دوران کاردانی و درسی به نام کارآفرینی. در وهله‌ی احساس بدی نسبت به این

درس داشتم و به خودم گفتم باز هم از این درس‌هایی است که خواب آور است. جلسه اول به کلاس نرفتم، جلسه دوم را هم همین‌طور. سومین جلسه که وارد کلاس شدم، استاد با نگاهی به من گفت:

جلسه اولت هست که تشریف میارید؟

گفتم: بله

گفت: خسته نباشی!!! من سه جلسه غیبت را حذف می‌کنم. حواستان باشد. راست هم می‌گفت. از بقیه بچه‌ها شنیده بودم که خیلی در این موارد جدی است. وقتی بعد از اجازه گرفتن وارد کلاس شدم، استاد داشت در مورد افراد سرشناسی که ثروت‌های میلیاردی و یا فراتر دارند، صحبت می‌کرد.

با شنیدن این حرف‌ها رنگم پرید. من که تازه وارد کلاس شده بودم و با بی‌حوصلگی داشتم دنبال صندلی خالی در ردیف آخر، جایی که کنار دیوار هم باشد می‌گشتم، وقتی استاد آن حرف‌ها را زد، سریعاً به ردیف اول، درست در مقابل میز استاد رفتم و نشستم.

کلاس فوق العاده‌ای بود. تا به حال که سه ترم از ورود من به دانشگاه گذشته بود، کلاسی با این کیفیت و اطلاعات خوب ندیده بودم. تمامی نکات را یادداشت کردم. دلم نمی‌خواست بر خلاف کلاس‌های دیگر، این کلاس تمام شود. دقیقاً این همان چیزی بود که دنبالش می‌گشتم. دانش، اطلاعات خوب و راهنمای ثروت. دیگه از این بهتر وجود نداشت.

از هفته‌های بعد چند دقیقه زودتر از بقیه بچه‌ها وارد کلاس می‌شدم. نکته مثبت قضیه اینجا بود که از آن لحظه به بعد به مقدار دید بهتری نسبت به دانشگاه پیدا کردم. چون حداقل برای من اگر همین دانشگاه نبود، کارآفرینی هم نبود. کارآفرینی نیمه گمشده من و دانشگاه عاملی بود که باعث تقویت بیشتر من برای

کارآفرین شدن می‌شد. کارآفرین شدن موانع و چالش‌های متعددی دارد که قطعاً نسبت به درس خواندن، می‌توان گفت سخت‌تر است. شما می‌توانید با درس خواندن و تحصیلات و استخدام شدن و کارکردن برای افراد دیگر، امنیت شغلی به مراتب بیشتری داشته باشید. اما در کارآفرینی امنیت شغلی معنایی ندارد.

خیلی از افراد و دوستانی را دیده‌ایم که ایده‌های بسیار عالی با قابلیت تجاری شدن آن را دارند، بعضی هم تا حدودی کارآفرینی را در کنار تحصیل یا جدای از آن تجربه کرده‌اند، اما بنا به دلایلی از جمله اینکه تحصیل برایشان مهم‌تر است و یا تحصیلات در کنار کارآفرینی وقت بسیاری از آن‌ها می‌گیرد و در نتیجه باعث شکست و به موفقیت نرسیدن آنها می‌شود.

خیلی از افراد هم وجود دارند که تحت تاثیر مسائلی به یکباره تحصیلات را کنار گذاشته و می‌خواهند قدم در عرصه کارآفرینی بگذارند. در مواردی این افراد هم در تحصیل و هم در کارآفرینی به جایی نمی‌رسند و سرنوشت‌شان تغییر می‌کند. از این رو بر آن شدیم تا بتوانیم راهنمای مناسبی برای افرادی باشیم که تحصیل را مانعی برای کارآفرینی می‌دانند و با خیلی از نکات ریز و درشت آشنا نیستند. امیدواریم که این کتاب بتواند دیدگاه مناسبی در تفکر شما عزیزان و تصمیم‌گیری‌هایتان داشته باشد.

با آروزی موفقیت و سربلندی

آیا درس بخوانیم؟

تا به حال شده که پیش خودمان بگوییم برای چه درس می‌خوانیم؟، هدفم از زمان و انرژی که بابت درس می‌گذارم چیست؟ متاسفانه یا خوشبختانه همه‌ی ما این را می‌دانیم که اکثر افرادی که تحصیل می‌کنند علاقه چندانی به آن ندارند. پس این همه اصرار بر ادامه تحصیل، هزینه‌های گاه‌بی‌جهت و بدون برنامه ریزی برای کلاس‌های کنکور، شهریه‌های سنگین دانشگاه و ... برای چیست؟

فرزندم درس بخوان دکتر یا مهندس بشی تا بتوانی در یک شرکت استخدام و مشغول به کار باشی. بدون شک آشنا ترین جمله برای اکثریت ما ایرانیان همین‌ها است که از زبان پدر یا مادر خود شنیده‌ایم. درس بخوان تا جایی استخدام شوی و کار کنی. خیلی کمتر پیش می‌آید که پدر یا مادری به فرزند خود بگوید فرزندم روی پای خودت بایست و سعی کن کاری را برای خودت راه‌اندازی کنی و شرکت یا کارخانه خودت را داشته باشی.

کودکان هم همانند ما رویاهایی دارند و برای یکسری از کارها شوق دارند. اما همین کودکان به دلایل متعدد نابود می‌شوند و به اون‌ها گفته میشه که باید بیشتر درس بخونن، تمرکز بیشتر برای درس‌هایشان داشته باشند و یا یک معلم خصوصی بگیرند.

داشتن مدرک دانشگاهی در پیدا کردن شغلی مناسب برای شما قطعاً می‌تواند مفید باشد. امنیت شغلی، بیمه، حقوق مشخص و به موقع از مزایای داشتن شغلی بدون دردسر است. البته منظور ما از بدون دردسر آن، از دیدگاهی کارآفرینانه است. تفکر غالب جامعه، ۳ راه بیشتر یا ترکیبی از این‌ها برای امثال ما متصور نیست.

۱. ادامه تحصیلات دانشگاهی در مقاطع بالا در داخل یا خارج

۲. تشکیل زندگی و ازدواج

۳. استخدام در یک شرکت یا سازمان

اما، آن‌طور که از شواهد و واقعیت‌های جامعه به نظر می‌رسد انگار این راه‌ها، لزوماً راه‌های خوشبختی و موفقیت نیستند. برای مثال بسیاری از کسانی که ادامه تحصیل داده‌اند و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری دارند، یا بیکارند، یا اگر هم شاغل باشند، بر سر کار مورد علاقه خودشان نیستند.

با توجه به جوان بودن جامعه ایرانی و نرخ بیکاری در کشور عزیزمان باید مفهوم جدیدی را بیایم تا باور کارمندی را از جوانان کشورمان بگیرد و نهال خلاقیت و ایده‌های نو آن‌ها را آبیاری کند. بنابراین باید مفهوم کارآفرینی را به طور کاربردی آموزش دهیم، چرا که در سنین پایین‌تر افراد می‌توانند مهارت‌های مهمی را یاد بگیرند تا آینده شغلی‌شان تضمین شود. ما نه تنها مفهوم کارآفرینی را به افراد آموزش نمی‌دهیم، بلکه حتی در دوران مدرسه و دانشگاه نیز همان روال سنتی را که وجود داشته طی می‌کنیم.

ما امروزه درگیر بحران بیکاری هستیم. این بحران از همان دورانی که کودک وارد مدرسه می‌شود، آغاز شده و تا سال‌ها ادامه می‌یابد. زیرا مدرسه به آن‌ها یاد می‌دهد که چگونه رفتار کنیم، چگونه فکر کنیم، مدرسه به ما تسلیم شدن را یاد می‌دهد به جای اینکه ما را از تسلیم شدن منع کند.

مدرسه به ما یاد می‌دهد که چگونه شغلی انتخاب کنیم به جای اینکه به ما بگوید چگونه شغلی بسازیم، چگونه بتوانیم به یکدیگر کمک کنیم، چگونه می‌توانیم خودمان به سمت علایقی که داریم گام برداریم.

بر طبق آمار نگران‌کننده از مجموع یک میلیون دانش‌آموزی که در پایه سوم راهنمایی سال ۹۱ - ۹۰ فارغ‌التحصیل شدند، بالغ بر ۱۸۰ هزار نفر در سال تحصیلی ۹۴-۹۳، به پایان دوره نرسیده و به نوعی ترک تحصیل کردند. در سال

تحصیلی ۹۳ - ۹۲ نزدیک به ۱۵۰ دانش آموز در دوره متوسطه اول و حدود ۷۶۰ دانش آموز در دوره متوسطه دوم در تهران ترک تحصیل کرده‌اند. این دو رقم گرچه ممکن است نسبتاً کوچک باشد، اما وقتی این آمار در کل کشور جمع زده و ارقام، ملی می‌شود، نگران کننده است، تا آنجا که آمارهای سال تحصیلی ۹۳ - ۹۲ نشان می‌دهد ۱,۵ درصد از دانش آموزان پایه های دوم و سوم متوسطه اول و ۵,۶ درصد از دانش آموزان متوسطه دوم در این مدت ترک تحصیل کرده‌اند.

همچنین یک میلیون و ۴۳۰ هزار نفر از کودکان ۶ تا ۱۸ سال در سال ۹۳-۹۴ در هیچ مدرسه ای ثبت نام نکرده‌اند. هرچند عوامل مختلفی مانند: فقر، مشکلات خانوادگی، نبود زیرساخت‌های مناسب در این امر تاثیرگذار است. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که پس از ترک تحصیل این افراد دولت چه برنامه‌ای برایشان دارد یا این افراد به این پاسخ رسیده‌اند که خودشان می‌توانند کارآفرین باشند؟

بهتر است با هم نگاهی پایه‌ای به موضوع داشته باشیم. اینکه بسیاری هنوز درس را نسبت به خود اشتغالی برتر می‌دانند و یا تمایلی برای ورود به دنیای کارآفرینی را ندارند را بررسی می‌کنیم.

۱. خانواده

مهمترین رکن که در پرورش افکار و عقاید انسان تاثیر می‌گذارد، خانواده اوست. قطعاً حمایت‌های خانواده چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ معنوی تاثیر شگرفی در فرزند دارد و باعث ایجاد انگیزه بیشتر در کارها و رفتارهای فرزند می‌شود. اما متأسفانه چیزی که در بین اکثر خانواده‌ها وجود دارد و برایشان اهمیت دارد، استخدام شدن فرزندشان در سازمان یا موسسه‌ای است که فرزند در آنجا مشغول

به کار شده و خیال این پدرها و مادرها از شغل فرزندشان راحت باشد.

خیلی کم پیش می‌آید که خانواده‌ای فرزندش را به کارآفرینی سوق دهد. چرا؟ اکثر خانواده‌ها تمایلی به اینکه فرزندشان بخواهد پا به دنیای کسب و کار بگذارد علاقه‌ایی نشان نمی‌دهند، شاید به این دلیل که خیلی ریسک پذیر نمی‌باشند و یا ترس از دست دادن پول‌های خود را دارند که مبادا با شکست کسب و کار از بین برود و این تفکر خود را نیز به فرزندان خود القا می‌کنند.

به همین دلیل استخدام در شرکت‌های دیگر را به این مسائل ترجیح می‌دهند. هرچند که باز هم با شکست دنیایی از تجربه را نیز به دست خواهند آورد و همین شکست‌ها به میلیون‌ها ثروت ارزش دارند. البته در این بین هستند خانواده‌هایی که فرزندان خود را به سوی کارآفرینی سوق می‌دهند، که این خانواده‌ها، تسهیل‌گر نامیده می‌شوند.

در هر حال این تفکرات غلط تاثیر منفی خود را در فرزندان نیز می‌گذارد. به این ترتیب از رشد و ایجاد فرصت‌های بهتر و جدید جلوگیری می‌کند.

نوع نگرش والدین به دنیای پیرامون خود و چگونگی تجسم ارزش‌های اجتماعی برای فرزندان در شکل‌گیری آینده شغلی آنها، می‌تواند راه را برای دستیابی به اقتصاد سالم هموار سازد. مثلاً چنانچه کسب موفقیت در جهت خلق ثروت و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به عنوان بخشی از ارزش‌های مورد نظر والدین برای فرزند به تصویر کشیده شود، فرزند نیز در چنین شرایطی ذهن خود را برای رسیدن به چنین موقعیتی آماده می‌سازد.

در ادامه چنین فرآیند ذهنی، فرد به دنبال راه‌های دستیابی به چنین موقعیتی است. او موقعیت‌های متفاوت را با هم مقایسه می‌کند، شبیه‌سازی ذهنی انجام می‌دهد، به پرس و جو می‌پردازد، و گاهی اوقات در نشریات، کتاب‌ها، محیط مدرسه و

حتی مجالس سخنرانی پرسش‌های ذهنی خود را دنبال می‌کند. آن‌گاه، فرد با آگاهی از ارزش کار و تلاش آماده است بخش بزرگی از خواسته‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های مورد نظر خانواده خود را به محک تجربه بگذارد.

میزان تحصیلات، نوع شغل والدین، ساخت خانواده، روابط خانوادگی (خصوصاً رابطه والدین با فرزندان)، درآمد خانواده و میزان برخورداری از امکانات رفاهی در شکل‌گیری فرهنگ کار در خانواده می‌تواند تأثیر داشته باشد. انسان‌های متفاوت، توانمندی‌های متفاوتی دارند که اگر از همان دوران نوجوانی در مسیر مشخص هدایت شوند، می‌توانند با خلق ایده‌های جدید خود، تغییر در روند تولید و بالطبع تغییر در فرآیند تکنولوژی را آسان کنند.

قطعاً هیچ خانواده‌ای از اینکه فرزندشان بتواند به طور مثال شرکت موفق‌تری را برای خود داشته باشد، ناراحت نخواهد شد. اما شایع‌ترین رفتاری که از خانواده‌ها نسبت به موضوع کارآفرینی فرزندان سر می‌دهد، ترس از شکست و عدم موفقیت می‌باشد. ای کاش زمانی که فرزندانمان به کارآفرینی روی می‌آورند همانند دوران کودکی‌شان با آنها رفتار کنیم.

وقتی که کودک برای بارهای اول می‌خواهد راه رفتن را یاد بگیرد و روی پای خود بایستد نیز بارها به زمین می‌خورد و امکان دارد زخم‌هایی را به بدن نیز از بابت زمین خوردنش تحمل کند. آنجا به کودکمان جمله‌ی زیبایی می‌گوییم: بلندشو مامان و یا دستتو بده بابا و بلند شو.

کارآفرینی نیز دقیقاً همین است. کودکی می‌خواهد با ایجاد کسب و کاری برای خودش مسیر متفاوتی را در زندگی طی نماید. پس زمین خوردن آن می‌تواند کاملاً امری طبیعی باشد. نمونه بارز و موفق آن بیل گیتس موسس مایکروسافت می‌باشد که وقتی به برنامه‌نویسی و کامپیوتر روی آورد با حمایت‌های خانواده

خود توانست تحولی بزرگ در کامپیوترها به وجود آورد. اما همان‌طور که در سنین کودکی بعد از چند بار که زمین خوردن را تجربه کرده و سپس اصول راه رفتن را فرا گرفت، همین امر در کارآفرینی نیز صدق می‌کند. او می‌تواند از شکست‌ها درس‌های بسیاری بگیرد و احتمال موفق شدن در پیشرفت کاری خود برای مراحل بعدی را بالاتر ببرد.

متأسفانه این طرز تفکر هنوز در خانواده‌های ایرانی جا نیفتاده است و تا وقتی صحبت از آن می‌شود اکثر آن‌ها با خنده‌ای تمسخر آمیز شما و کارتان را زیر سوال می‌برند و در آخر به شما خواهند گفت: این کار هیچ فایده‌ای ندارد، بشین و درست را بخوان و در جایی مشغول به کار شو. ما به راحتی بچه‌هایی که خصلت کارآفرینی دارند را از دست می‌دهیم. باید به آن‌ها نشان دهیم که کارآفرین بودن خیلی هیجان‌انگیز است. این واقعا چیز بدی نیست که خانواده‌ها نسبت به آن بی‌اهمیت هستند.

بد نیست با هم نگاهی کوتاه در مورد خانواده‌های کشورهای دیگر و حمایت‌های آنان در قبال فرزندان‌شان را بررسی کنیم.

در مقایسه با ژاپن نرخ شروع به کار در فعالیتهای کسب و کار در اروپا بیشتر است. یک دلیل آن این است که فرهنگ فردگرایی در اروپا بیش از ژاپن است. این امر سبب می‌شود که تصمیم فردی برای آغاز یک کسب و کار در اروپا بیشتر مورد پذیرش قرار گیرد تا در ژاپن. با وجود این، حس رقابتی در اروپا کمتر از آمریکاست و گفته می‌شود که اروپایی‌ها برابرگراتر هستند.

در آلمان تا حدود سن ۱۲ سالگی به کودک اجازه تماشای تلویزیون داده نمی‌شود و به جای آن بچه‌ها با حضور در کلاس‌های مهارت‌یابی، به مهارت‌های گوناگون مسلط می‌شوند. طوری که یک دختر بچه پنج ساله قادر به پخت شیرینی و حتی

بافتنی است. در خانواده فرانسوی نیز کودک از سنین بسیار پائین مثلا چهار سالگی با مفهوم پول در برابر کار آشنا می‌شود. خانواده به او می‌آموزد که در برابر کارهای کوچکی که در خانه برای کمک انجام می‌دهد می‌تواند پول دریافت کند. همین‌طور در خانواده فرانسوی به علایق فرزند اهمیت بسیاری داده می‌شود و کودک در مسیر علاقه‌اش تشویق می‌شود و اجازه پیدا می‌کند در جهت آن علاقه اطلاعات و مهارت‌های لازم را کسب کند و از این جهت مورد اعتراض والدین قرار نمی‌گیرد.

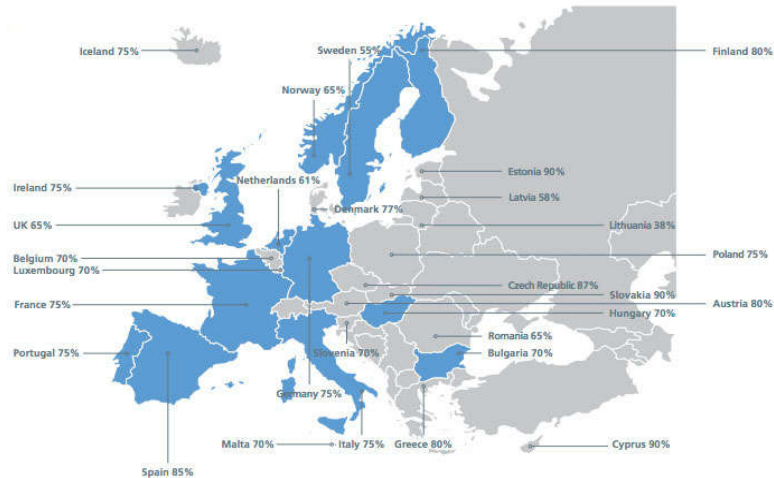
در برخی مدارس کانادا به معلمان سرفصل‌های مشخصی داده می‌شود و معلمان بر اساس آن‌ها و با مشارکت دانش‌آموزان شروع به درس دادن می‌کنند و در کلاس با بچه‌ها در رابطه با موضوعی مشخص صحبت می‌کنند. دانش‌آموزان تک‌تک نظرات خود را راجع به آن موضوع بیان می‌کنند و کسی استرس و اضطراب از دست دادن نمره و یا اشتباهی که ممکن است انجام دهد را ندارد. دانش‌آموزان مطالبی را که در جلسه قبل درباره آن صحبت شده بود، با کمک اینترنت جمع‌آوری می‌کنند تا به اطلاعات بیشتری دست پیدا کنند و آن را در کلاس ارائه می‌دهند. مثلا ممکن است در رابطه با شخصیت‌های مهم تاریخی یا ورزشی و فناوری با یکدیگر گپ بزنند و معلم نیز وظیفه هدایت کلاس را به عهده دارد.

سیستم ارزیابی دانش‌آموزان نیز جالب است. معلمان رفتارها و تمامی نظراتی را که در کلاس بیان شده است در رابطه با هر شخص جمع‌بندی و آن‌ها را مشخص می‌کند. سپس بر اساس آن علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان مشخص شده و آن‌ها را در مسیر علاقه‌مندی‌هایشان هدایت می‌کنند.

همچنین مطالعه در زمینه کسب و کارهای خانوادگی نشان می‌دهد که برخلاف ۵۰

سال پیش احتمال کمتری وجود دارد که نسل کنونی کسب و کار پدرشان را به‌عنوان وظیفه ادامه دهند. حتی تا حدی این در مورد همسران هم صدق می‌کند که می‌خواهند با ساعات کار طولانی و نداشتن وقت آزاد افراد کارآفرین کنار بیایند. دلایل این امر پیچیده است، درجه فردگرایی می‌تواند به‌عنوان دلیل این امر بیان شود.

درصد شرکت‌هایی که با کسب و کار خانوادگی در کشورهای اروپایی شکل گرفته‌اند



۲. تجربه

از موارد دیگری که تاثیر فراوانی در جلوگیری از کارآفرین شدن فرزندان دارد، تجربه آن کار توسط پدر، مادر، برادر و یا هر کسی دیگر از نزدیکان است. ممکن است زمانی پدر شما قصد راه‌اندازی کسب و کار خودش را داشته است و بعد از مدتی آن کسب و کار نتوانسته جایگاه لازم را داشته باشد و چه بسا در مواردی به دلایل مختلف اتفاقات ناخوشایندتری برای فرد مورد نظر مانند زندان رفتن به دلیل بدهی‌های زیاد نیز افتاده باشد و تجربه تلخی را رقم بزند.

همین موارد کافی است تا خانواده تمامی روز و شب برای شما مثال‌هایی از این دست را بزنند تا بلکه بتوانند مانعی برای شما در مقابل کارآفرین شدن شما باشند. تجربه انجام هر کاری چه خوب و چه بد، خیلی خیلی مفید است. همین امر در کارآفرینی نیز صدق می‌کند. اما باید از آن استفاده کرد. به این ترتیب که پس از ارائه یک کار و موفق نشدن آن دیگر دست از پا بکشیم و کار را تمام شده بدانیم. تجربه کلید موفقیت در کارآفرینی است. وجود تجربه درصد موفقیت آن کار را برای ما بالاتر می‌برد. علاوه بر آن ما باید این را بدانیم که دیگر آن فرد سابق نیستیم و امروزه دانش بیشتری نسبت به گذشته خود داریم و بر خیلی از مسائل نیز مسلط‌تر هستیم.

یک فرهنگ زیبایی که در آمریکا و کشورهایمانند ژاپن و کانادا و کشورهای پیشرفته وجود دارد این است که اگر فردی در آمریکا شروع به راه اندازی کسب و کار خودش کرد و پس از مدتی آن کسب و کار نتوانست به درجات بهتر برسد، همه به آن فرد به دید یک انسان با تجربه می‌نگرند و نه انسانی که شکست خورده. این فرهنگ به خصوص در استارت‌آپ‌ها زیاد دیده می‌شود.

یکی از فرهنگ‌هایی که در کشور ما جایی ندارد، همین فرهنگ است. متأسفانه ما انسان‌هایی را که نتوانسته‌اند به هر دلیل کسب و کار خود را گسترش دهند به دید افراد ناتوانی می‌بینیم که توانایی انجام هیچ کاری را ندارند و فقط وقت خود را هدر می‌دهند.

اکثر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، در دنیا موجب گردیده تا موجی از سیاست‌های توسعه کارآفرینی ایجاد شود. کشورهای مختلف، راه‌حلی را که طی سه دهه گذشته برای فائق آمدن بر مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی به آن روی آورده‌اند، توسعه فرهنگ کارآفرینی، انجام

حمایت‌های لازم از کارآفرینان، ارائه آموزش‌های مورد نیاز به آنان و انجام تحقیقات و پژوهش‌های لازم در این زمینه بوده است. پس از این به بعد ما هم به جای واژه افراد شکست خورده از افراد باتجربه نام می‌بریم.

۳. جامعه

یکی از ویژگی‌های بارز جوامع امروزی، رشد شتابان شهرنشینی است. بر اساس شواهد، بیش از ۹۰ درصد جمعیت، امروزه در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می‌کنند. برای پیشرفت سریعتر جامعه باید شاهد شیوه زندگی افراد به شکل کارآفرینی باشیم.

در این دسته از سکونت گاه‌های شهری مشاغل گوناگون وجود داشته و دائما فرصت‌های جدید شغلی جدید ایجاد می‌شود. به موازات این ظرفیت، جوامع کنونی با پیدایش مسئله یا مسائل اجتماعی نو برخاسته از تحولات جمعیتی، پارادایم‌های جدید و تغییر در بنیادهای فکری مواجه‌اند.

استفاده از ظرفیت‌های فکری برای رفع بیکاری پیش از پیش ضروری است. آنچه امروزه برای این معضل و همچنین گسترش فرآیند توسعه در کشورها عنوان می‌گردد، تکیه بر عنصر انسانی به عنوان مهم‌ترین سرمایه و منبع پایان‌ناپذیر الهی است. از این رو در میان انسان‌ها به افراد خاص که کارآفرین نامیده می‌شوند، توجه خاصی می‌شود. زیرا آن‌ها در پویایی جامعه نقش مهمی دارند.

ایران از کشورهایی است که هم در تعداد و هم در جمعیت شهرهای بزرگ و کلان شهرها رشد سریعی داشته است. جدا از مسائل و مشکلات فراروی توسعه در کشور، پدیده شهرهای بزرگ، کلان شهرها و مسائل متعدد زیستی در این شهرها، مدیریت و برنامه ریزی در این دسته از شهرها را برای سیاست گذاران و

مجریان دشوار کرده است. آمارها نشان می‌دهد رتبه ایران در شاخص کارآفرینی در سال‌های گذشته نه تنها بهبود نیافته، بلکه هر ساله این شاخص پله به پله پایین آمده و افول کرده است. هرچند که در دو سه سال گذشته ایران در برخی شاخص‌های کارآفرینی رشد داشته است. همچنین شاخص جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۵ میلادی، حاکی از رشد ۱۲ درصدی و ارتقای ۷ رتبه ای ایران دارد. این در شرایطی است که آنچه در نظریه‌های اقتصادی به تشریح کارآفرینی پرداخته شده است، کارآفرین را نیروی محرکه و موتور توسعه اقتصادی می‌دانند.

آمارها و بررسی‌های دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی در ایران از شاخص کارآفرینی در ۱۲ محور حاکی از آن است که در سال ۱۳۹۳ شاخص درک فرصت کارآفرینانه نسبت به سال ۱۳۹۲ حدود ۹ درصد، شاخص قصد کارآفرینانه ۶ درصد، شاخص ترس از شکست یا عدم خطرپذیری یک درصد، شاخص کارآفرینی به عنوان یک گزینه کاری ۱۲ درصد، شاخص منزلت اجتماعی کارآفرینان ۶ درصد و شاخص توجه رسانه‌ای به کارآفرینی ۵ درصد کاهش یافته است. شاخص نوآوری نیز برابر ۸ درصد بوده، در حالی که در سال ۱۳۹۲ به ۱۳٫۹ درصد افزایش یافته بود.

لازم به توضیح است که شرایط نامناسب اقتصادی ایران در سال‌های ۹۰ تا ۹۲، در شرایط کارآفرینی سال‌های پس از آن موثر بوده است.

شاخص	درصد یا کاهش
درک فرصت کارآفرینانه	-۹
قصد کارآفرینانه	-۶
ترس از شکست	-۱
کارآفرینی به عنوان یک گزینه کاری	-۱۲

منزلت اجتماعی کارآفرینان	-۶
توجه رسانه‌ای به کارآفرینی	-۵
درک قابلیت کارآفرینانه	۳
کارآفرینی نوپا	۴
کارآفرینی بین‌المللی	۳
کارآفرینی تثبیت شده	ثابت
خروج از کسب و کار	ثابت

وضعیت شاخص کارآفرینی در سال ۱۳۹۳

البته شاخص جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۵ میلادی، حاکی از رشد ۱۲ درصدی و ارتقای ۷ رتبه‌ای ایران دارد. هرچند کشور ما هنوز در میان ۱۳۰ کشور مورد مطالعه رتبه ۹۴ را دارد و در میان ۱۵ کشور منطقه، رتبه ۱۵. امتیاز ایران در گزارش امسال ۲۷/۷ است. آمریکا با امتیاز ۸۵ در رتبه اول و بنگلادش با رتبه ۴/۱۴ در رتبه آخر قرار دارند. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، امارات با ۶۱/۱ امتیاز و رتبه ۲۲ در مقیاس جهانی در صدر است و ایران پس از لیبی، الجزایر، مراکش و مصر در رتبه آخر.

شاخص ها سال	درصد	رتبه ایران	شاخص ها سال	درصد	رتبه ایران
۱۳۹۳	۲۸	۵۴	درک	۱۳۹۳	۵۹
۱۳۹۴	۴۰	۳۶	فرصت‌های کارآفرینانه	۱۳۹۴	۱۲
۱۳۹۳	۲۵	۲۱	نرخ ترس از شکست	۱۳۹۳	۳۵
۱۳۹۴	۳۸	۱۳	کارآفرینانه	۱۳۹۴	۴۰

۲۱	۱۶	۱۳۹۳	کارآفرینی نوین	۴۳	۵۵	۱۳۹۳	توجه رسانه‌ای
۲۳	۱۷	۱۳۹۴		۴۱	۵۸	۱۳۹۴	به کارآفرینان
۱۴	۱۱	۱۳۹۳	کارآفرینی تثبیت شده	۴۹	۵۲	۱۳۹۳	کارآفرینی به عنوان
۱۰	۷	۱۳۹۴		۴۳	۵۶	۱۳۹۴	گزینه شغلی مناسب
۵۶	۶	۱۳۹۳	نرخ خروج	۱۳	۷۶	۱۳۹۳	منزلت
۵۶	۴	۱۳۹۴	از کسب و کار	۵	۸۲	۱۳۹۴	اجتماعی کارآفرینان

اهم شاخص های ایران در سال ۱۳۹۴ در مقایسه با سال ۱۳۹۳

با توجه به آمار سال ۲۰۱۲ از گزارش دیده بان جهانی، میزان کارآفرینی در میان زنان ایرانی بین سنین ۱۸ تا ۶۴، همان شاخص بین ۱۴ تا ۲۰ درصد است. همین آمار برای کارآفرینی زنان در کشورهای خاورمیانه به این صورت است که زنان ترکیه از ۲ درصد به ۷ درصد در مدت مشابه رشد داشته‌اند، در حالی که پاکستان دارای پایین‌ترین نرخ در منطقه است. اگرچه آمار دقیقی از فعالیت زنان در کارآفرینی موجود نمی‌باشد و زنان تنها ۱۳ درصد در فعالیت‌های اقتصادی ایران نقش دارند.

در واقع این آمار نشان می‌دهد ایران نیاز مبرمی دارد تا در کارآفرینی تلاش‌های بسیار بیشتری داشته باشد.

متأسفانه در ایران نهاد یا سازمان دولتی مختص کارآفرینی و کارآفرینان زنان

وجود ندارد و تنها در برخی وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی، حمایت‌های محدودی از خود اشتغالی مشاهده می‌گردد.

کارآفرینی، ایجاد خوداشتغالی، کسب و کارهای نو باعث بالا رفتن رشد اقتصادی یک کشور است که در این راستا نقش و حمایت‌های دولت و مسئولین باید بسیار باشد. دولت باید با در اختیار قرار دادن امکانات مناسب به طور مثال برای تیم‌های استارت‌آپی مانند مکانی که آنها بتوانند در آن بر روی پروژه خود کار کنند و هم چنین تکمیل زیر ساخت‌ها مانند اینترنت پرسرعت، دسترسی آزادتر به منابع برای تیم‌های استارت‌آپی و تبلیغ و تشویق جوانان و نوجوانان برای کارآفرینی، آنها را در این راه حمایت کند.

وقتی صحبت از جامعه می‌شود، تنها نباید نوک پیکان را به سمت مسئولین نشانه رویم. به نوعی همه‌ی مردم در این امر سهیم هستند.

فرهنگ کارآفرینی از مواردی است که اکثر جامعه ما با آن آشنایی ندارند. برای درک بهتر موضوع ما ایالت یوتا در آمریکا را مثال می‌زنیم. اهالی یوتا کارها و وظایفشان را به گونه‌ای متفاوت‌تر انجام می‌دهند. در یوتا می‌توان شاهد جوانانی بود که اصلاً اهل شب نشینی نبوده و اوقات فراغت خود را با خانواده سپری می‌کنند و طبعاً چنین افرادی ۸۰ یا ۹۰ ساعت در هفته کار نمی‌کنند. آمار نشان می‌دهد ۹۹ درصد دانشجویان این ایالت از اعضای کلیسای مورمون هستند و در اصل و اساس اعتقاد مورمون‌ها بر ارزش‌های خانوادگی تاکید بسیار بالایی شده است.

در واقع، ردپای همین رویکرد را می‌توان در ابعاد دیگر زندگی اهالی یوتا دید به طوری که یوتا دارای کارآفرینان بومی بسیاری است و حدود ۹۰ درصد اهالی این ایالت، حداقل یک مدرک دبیرستانی دارند. نکته مهم و جالب توجه در بین مردم

یوتا، تعریف درست از فرهنگ کارآفرینی است که این امر باعث شده مردم درک درستی نسبت به آن داشته باشند. به این ترتیب، انگیزه بسیاری برای کارآفرینی در یوتا وجود دارد، البته سیاست‌های حمایتی مانند معافیت‌های مالیاتی نیز توانسته سبب انگیزه بیشتر برای کسانی باشد که به دنبال راه‌اندازی کسب و کار در این منطقه هستند.

آمار جالبی در سال ۲۰۱۵ وجود داشت که نشان می‌داد بیش از ۴۶ هزار شغل در یوتا ایجاد شده و تنها حدود سه درصد بیکار در این ایالت وجود دارد. راه‌اندازی فروشگاه‌های اینترنتی، تاسیس شرکت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ساخت دستگاه‌های پزشکی و ورود به بخش هوا و فضا از جمله اقدامات کارآفرینی در این ایالت است.

حال آن‌که در کشور ما چنین فرهنگی وجود ندارد. بیشتر مردم و جوانان ما تا نیمه‌های شب بیدار هستند و در شبکه‌های مجازی و اینترنت گشت و گذار می‌کنند. در صورتی که به جای این رفتارها خیلی بهتر می‌توان از آن‌ها بهره جست.

نکته مهم دیگر که در ایران قابل توجه است تعریف نادرست از کارآفرینی است. تا وقتی صحبت از کارآفرینی می‌شود، سریعاً ذهنمان به سمت سرمایه برای شروع کار می‌رود. در صورتی که با سرمایه اندک و ناچیز نیز می‌توان کاری را دست و پا کرد و کم‌کم آن را گسترش داد.

نکته جالب توجه دیگر توقعات بی‌مورد در اوایل کسب و کاری است که به تازگی شروع به کار کرده است. ما در قدم‌های اول انتظار داریم تا پول هنگفتی را به جیب بزنیم. در صورتی که باید راه زیادی طی شود تا آن کسب و کار به موفقیت برسد. در هر صورت برای بهتر شدن فضای کارآفرینی در ایران باید

چنین رفتارها و فرهنگ‌هایمان اصلاح شود تا روند بهتری را مشاهده نماییم. از جمله کارهایی که باید در راستای ایجاد فرهنگ کارآفرینی در بین افراد جامعه و دانشگاه‌ها انجام شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در نظام آموزشی اعم از دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، مراکز آموزش‌های حرفه‌ای، دبیرستان‌ها و ... باید به نوع آوری، ابداع و خلاقیت و کارآفرینی بها دهند نه به محفوظات. اگر تفکر نوآوری در آموزش حاکم شود بخش عظیمی از نیروهای جوان ما درگیر فعالیت‌های کارآفرینی می‌شوند.

دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقاتی باید ایجاد همبستگی نسبی تحقیقاتی با اهداف توسعه صنعتی، تحول رشته‌های دانشگاهی نسبت به روند تحول فناوری و آینده‌نگری و اصالت بخشی به تحقیقات را از اهم وظایف خود بدانند.

آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها و شناسایی افراد مستعد و ارزش آفرین (کارآفرین) در دانشگاه‌ها توسط گروه خبره‌ای که در صنعت کار کرده‌اند.

توسعه فرهنگ نوآوری و کارآفرینی از طریق دوره‌های آموزشی، برگزاری سمینارها و ... باید در برنامه کاری دانشگاه‌ها باشد. تشویق و حمایت دانش‌آموختگان مستعد دانشگاه‌ها در سطح کشور از طریق رسانه‌های جمعی و کمک‌های آزمایشگاهی و کمک‌های مالی باید صورت گیرد.

ارتباط بین کارآفرینی و فرهنگ، تاثیر مثبتی در جامعه بر جای خواهد داشت. همه‌ی ما می‌دانیم که کارآفرینی در توسعه و رونق اقتصادی کشور، حل مشکل بیکاری و تولید ثروت نقش اساسی ایفا می‌کند. تمامی این موارد باعث شکوفایی جامعه، ایجاد خلاقیت و نوآوری بیشتر در جامعه و عدم نیاز به اجناس و یا شرکت‌های خارجی (در صورت تولید محصول مناسب داخلی) برای وارد کردن محصولات آن‌ها و در مجموع باعث افزایش فعالیت‌های کارآفرینی و فرهنگی

یک ملت خواهد شد.

برخی افراد جامعه وقتی صحبت از کسب و کارهای شخصی و کارآفرینی می‌شود ذهنیتی منفی نسبت به این موضوع دارند. بهتر است که هیچ‌وقت این جملات را از یاد نبرید:

- کارآفرینی نیاز به ایده‌ای عالی ندارد
- برای راه‌اندازی اولیه نیاز به سرمایه خیلی زیادی نیست
- نیاز به تخصص بالا در تمامی زمینه‌ها ندارد
- نیاز به تحصیلات دانشگاهی ندارد
- نیاز به سابقه کاری ندارد
- در بعضی مواقع نیاز به داشتن شریک ندارد

۴. مدارس و دانشگاه‌ها

کارآفرینی به عنوان یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌های دانشگاه‌ها و مدارس برای توسعه ملی هر کشور مورد تاکید قرار گرفته است.

در آیین نامه توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور کارآفرینی بدین گونه تعریف شده است، کارآفرینی فرآیندی است که افراد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید و با بسیج منابع به ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و کسب و کارهای مولد، سازمان‌های جدید و نوآور و رشد یابنده مبادرت می‌ورزند.

رویکرد مراکز آموزش عالی در بحث کارآفرینی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه علمی هر کشوری است که در آن به شناسایی و پرورش استعدادها و کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموزان پرداخته و بستر مناسبی برای گرایش آنان به فعالیت‌های کارآفرینانه فراهم می‌سازد.

در طی چندین و چند سال پس از تاسیس مدارس در ایران، کماکان مدارس ما نتوانسته‌اند کودکان و نوجوانان ما را با ذهن کارآفرینانه رشد دهند. کتاب‌ها، قوانین، درس‌ها و خیلی چیزهای دیگر تغییر یافته اما توجهی به این موضوع مهم نشده است. برای دانشگاه‌ها نیز همین موضوع حاکم است. می‌توان دلیل آن را عدم آگاهی مردم یا مسئولین نسبت به اینکه مدارس و دانشگاه‌ها کارآفرین باشند دانست. بهترین سن برای شروع کارآفرینی سنین نوجوانی است.

مدارس و دانشگاه‌ها در کنار آموزش‌های متعدد باید برنامه‌ای برای آموزش نوجوانان و جوانان در زمینه‌های دیگر همانند خلاقیت، مبارزه با شکست، اعتماد به نفس، پشتکار، مدیریت ریسک و مواردی این چنینی را داشته باشند. در بررسی‌های مختلف مشخص شد که ارتباط معناداری بین آموزش‌های کارآفرینی که در مدارس و دانشگاه آموزش داده می‌شود، در بین دانشجویها و دانش‌آموزان وجود دارد.

برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی بر میزان کنترل درونی افراد تاثیرگذار است. افرادی که تحت آموزش‌های کارآفرینی قرار گرفته‌اند، نمرات بیشتری در انگیزه‌ی پیشرفت، کنترل درونی، خلاقیت و ریسک‌پذیری به دست آورده‌اند. ژاپن در اواخر دهه ۵۰ میلادی، اولین کشوری بود که در این زمینه خیلی کلاسیک کارکرد و ترویج فرهنگ کار آفرینی را از سطح دبیرستان شروع کرد. مسئله کارآفرینی در ژاپن به سطح دانشگاه‌ها هم کشیده شد. بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ میلادی بیش از ۹۶٪ نوآوری صنعتی که توانست موقعیت ژاپن را در اقتصاد جهانی به یک موقعیت برجسته و برتر تبدیل کند، توسط کار آفرینان صورت گرفت.

در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش کارآفرینی بر نیت کارآفرینانه دانشجویان

کسب و کار و مهندسی در اتیوپی، محققان به این نتیجه رسیدند که دانشجویانی که در دوره‌های آموزش کارآفرینی مشارکت داشتند، تمایل و قصد کارآفرینی بالاتری نسبت به دانشجویانی که در دوره‌ها شرکت نداشتند، از خود نشان داده‌اند.

در کشور کوچکی مانند ولز نیز هر سال، ۳۵۰ کارآفرین به مدارس راهنمایی، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها می‌روند و همین‌طور که خواهید دید، این مسئله تأثیر مهمی بر روی جوانان و نوجوانان ولز و تعداد شرکت‌هایی که آنها تاسیس می‌کنند، دارد. این طرح در ولز از سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز شد و به کمک آن، تعداد جوانان زیر سی سال که مایل هستند، کسب و کار خود را آغاز کنند، ۳۵ درصد افزایش یافت و طبق آمار کمیسیون اروپا، از پنج شرکت‌کننده در این برنامه، حداقل یک نفر کسب و کار خود را راه‌اندازی خواهد کرد.

در ایران مدارس تا حدودی کماکان همان روش سنتی خود را حفظ کرده‌اند. هر چند گاهی اوقات تغییراتی در روند آموزشی مدارس کشور به وجود می‌آید، اما یا آن‌طور که اجرا در نمی‌آید یا در ادامه کار آن روند قطع می‌شود و روش دیگری جایگزین آن می‌شود.

در کشورهای غربی دروس کارآفرینی از مهمترین مباحث برای دانش‌آموزان می‌باشد. یا حتی به‌طور مثال در کشوری مانند آلمان آموزش‌های لازم در زمینه‌های کارآفرینی، کار تیمی و تحقیق در مورد موضوعات گوناگون از نکاتی است که از کودکی بدان پرداخته می‌شود.

در کشور ما نیز می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق و الگوبرداری از دیگر کشورهای که سال‌های قبل این مراحل را گذرانده‌اند، نتایج قابل‌قبولی را به دست آورد و علاوه بر آن اقتصاد و دانش جدیدی نیز در کشور جریان پیدا می‌کند.

لذت راهاندازی کسب و کار در کنار دوستان و معلمان مدرسه باعث انگیزه بیشتر برای ادامه فعالیت‌ها و کسب تجربه‌ای مفید در آن حوزه خواهد گشت و یا برگزاری اردوهای کارآفرینی و بازدید از شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که امروزه به نام‌هایی معتبر تبدیل گشته‌اند خیلی هیجان‌بالایی خواهد داشت.

سوال‌هایی که در ذهن دانش‌آموزان شکل می‌گیرد فوق‌العاده مفید است. آنها با توجه به تجربه و سن کمی که دارند بارها از خود می‌پرسند چگونه فردی با سرمایه ناچیز و بدون پشتوانه مالی و در مواقعی حتی بدون تحصیلات و دانش کافی توانسته است کارخانه‌ای به این بزرگی را شکل دهد؟

این‌ها پرسش‌هایی است که دانش‌آموز برای پیدا کردنش به سراغ آنها خواهد رفت و زمینه‌ای برای دستیابی به ایده‌های جدید و راهکاری برای ارائه محصول به بازار کسب می‌کند. بر اساس آمار موسسه گالوپ^۱ تقریباً چیزی نزدیک به ۳۰ میلیون دانش‌آموز در آمریکا، که بین سال پنجم تا دوازدهم در حال تحصیل می‌باشند:

- ۷۷ درصد آنها تمایل دارند تا خودشان رئیس خودشان باشند.
- ۴۷ درصد از آنها اعلام کرده‌اند که مدارس‌شان برنامه‌های آموزشی در مورد کسب و کار را به آنها آموخته‌اند.
- ۴۲ درصد از دانش‌آموزان برنامه‌ای برای کسب و کار خود دارند.
- ۳۸ درصد دانش‌آموزان بر این عقیده هستند که چیزی را اختراع خواهند کرد که دنیا را متحول خواهد کرد.
- ۵ درصد از آنها نیز در کسب و کارهای محلی به عنوان کارآموز حضور دارند.

• در دبیرستان‌های آمریکا، ۸۰ درصد جوانان آموزش‌های کارآفرینی را لازم می‌دانند.

این آمارها نشان می‌دهد که کشورهای دیگر تا چه اندازه برنامه‌ریزی‌های دقیق را در قسمت مدارس خود قرار داده‌اند و دانش‌آموزانی با تفکرات فوق‌العاده، خروجی این مدارس هستند.

بی‌دلیل نیست که اقتصاد آمریکا در حوزه کارآفرینی بسیار قدرتمند می‌باشد. و بیش از ۷۰ درصد میلیونرهای این کشور کارآفرین می‌باشند.

کمپانی‌های بزرگی مانند گوگل و آی بی ام و اینتل و بسیاری دیگر نمونه‌های ارزشمندی از کارآفرینی فقط در بخش فناوری است که تنها شرکت گوگل در سال ۲۰۱۵ درآمدی بالغ بر ۱۸,۷ میلیارد دلار داشته که نسبت به سال قبل از آن افزایش ۱۳ درصدی را به همراه داشته است.

از کارآفرینی به عنوان یک علم نام برده می‌شود، اما این علم جایی در دروس علمی ما ندارد. غالب تفکرات سنتی نیز کماکان در بین معلمان مدارس ما وجود دارد و بر همین اساس آنها نیز یا از اهمیت آن بی‌خبرند یا آن را می‌دانند و نمی‌توانند کاری کنند.

سیستم آموزشی ما این طور نشان می‌دهد (از دید عوام) که ما فقط به دنبال تربیت افرادی هستیم که همانند دیگران دنباله‌رو یک مسیر هستند و وظیفه‌ی دیگر این سیستم تربیت افرادی است که چند عمل ریاضی و فیزیک را می‌دانند یا آشنایی مختصری با دروس دیگر دارند که خیلی در آینده آنها کاربردی ندارد. این سیستم کار تیمی، هدف و کمک به دیگران را به خوبی آموزش نداده است.

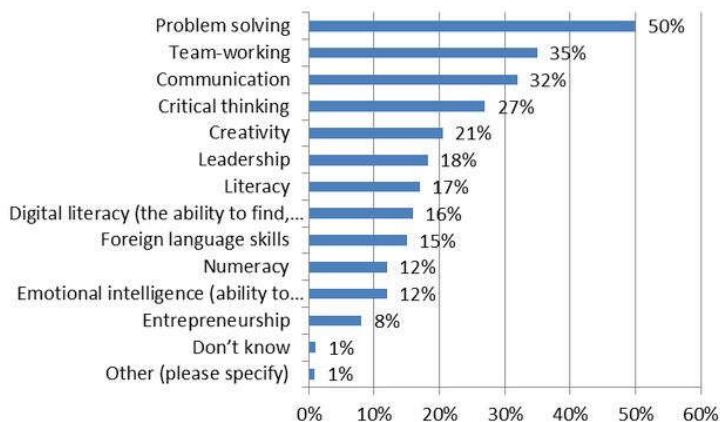
هدف واژه‌ای بی‌معنی و کار تیمی چیزی است که در بین جوانان و نوجوانان ما یا بهتر است بگوییم اکثر مردم وجود ندارد. ما هدف را این‌گونه تصور می‌کنیم که

حتما باید برای رسیدن به آن مثلا در جایی از کارهایمان پول یا به اصطلاح روابطی داشته باشیم تا بتوانیم به آن برسیم و غیر از این ممکن نیست. سقف هدف‌هایمان نیز کوتاه هست. استخدام در شرکتی مناسب و کسب درآمدی ناچیز و ماشینی معمولی سقف هدف‌هایمان است.

اصولا وقتی از کار تیمی حرف می‌زنیم خیلی‌ها با تمسخر جواب می‌دهند. هیچ سازمان، نهاد، ارگان یا تیمی بدون کار تیمی هرگز به موفقیت نمی‌رسد.

تمامی شرکت‌های بزرگی که امروزه وجود دارند از کار تیمی بهره بردند و توانسته‌اند خود را به قله اوج برسانند و در آن‌جا نیز بمانند. کار تیمی یکی از بحث‌هایی است که ما در فرهنگ خود فوق‌العاده به آن احتیاج داریم و تنها مختص به کارآفرینی نمی‌باشد.

تصویر زیر آماری از مهارت‌های کارکنان در سازمان‌ها را نشان می‌دهد که امروزه کارکنان باید آنها را داشته باشند. در این رتبه بندی کار تیمی در جایگاه دوم قرار گرفته است.



مهارت‌های مورد نیاز کارکنان در سازمان‌های امروزی

امروزه بحث کار تیمی و هدف گذاری از مهمترین بخش‌هایی است که در مدارس و دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته به آن اهمیت داده می‌شود. اما در دانشگاه و مدارس ما خبری از برنامه‌های منظم و دقیق در رابطه با آن وجود ندارد و جوانان ما با آزمون و خطا، تجربه‌هایی در این زمینه به دست می‌آورند. پس چه بهتر است که بتوان با موضوعات این چینی از کودکی آشنا شد و جلوی بسیاری از اشتباهات را گرفت.

وضعیت دانشگاه‌ها نیز چندان تعریفی ندارد. هنوز خیلی راه باقی است تا بتوانیم از دانشجوی مدرک به دست و پر ادعایی که می‌خواهد بعد از گذشت یک روز از فارغ التحصیل شدنش پشت میز کارش بنشیند و صبح تا ظهر را کار کند، یک انسان سخت‌کوش با ذهنیتی متفاوت نسبت به اکثر جامعه بسازیم.

به اصطلاح دانشگاه‌ها موتور محرک یک جامعه هستند و دانشجویان آن افرادی که امید یک کشور به آنها است. هنوز آن‌طور که باید نتوانسته‌ایم نهال کارآفرینی را در دانشگاه‌ها و مدارس به کودکان و جوانانمان آموزش دهیم. در چند سال اخیر به تعداد دانشگاه‌ها روز به روز اضافه گردیده است. دانشگاه‌هایی با قوانین و سرفصل‌های گوناگون شکل گرفته‌اند.

با نگاهی به برخی از آنها کاملاً می‌توان متوجه این موضوع شد که برخی از آنها برای تجارت کردن دانشگاه‌هایی را تاسیس کرده‌اند و سبب پایین آمدن کیفیت آموزش، پر کردن وقت افراد و یا به تاخیر انداختن خدمت سربازی (برای آقایان) شده‌اند.

حجم زیاد دانشجویان، مقدار پول کلان جابجا شده در بین دانشگاه‌ها (شهریه‌ها)، عدم برنامه‌ریزی مناسب فقط توانسته است افرادی را صاحب عنوان لیسانس یا فوق لیسانس نماید که خروجی همین افراد فقط مدارک آن‌ها بوده است و بس. ما

نیاز به قوی‌تر کردن ساختار پایه‌ای در کشور در جهت رشد اقتصاد و ایجاد خوداشتغالی و کم‌تر کردن بیکاری در جامعه داریم، که مدارس و دانشگاه‌ها بهترین جای ممکن برای تقویت ساختارهاست.

در حال حاضر مدارس و دانشگاه‌های ما افرادی را پرورش میدهند که بجای ایجاد شغل به صف تحصیل کنندگان بیکار می‌پیوندند.

دانشگاه‌ها ملزم هستند برای ترویج و ترقی آموزش کارآفرینی بیندیشند، چون نسل جوان نیاز دارد که بداند چطور در برابر محیط‌های ناامن و پیچیده و قوانین و مقررات متغیر در بازار کار به طور انعطاف پذیر عمل کند. ساختار نظام آموزش عالی باید به گونه‌ای باشد که فارغ‌التحصیلان بتوانند در آینده به عنوان کارآفرین فعالیت کنند.

از مهم‌ترین راهبردهایی که دانشگاه‌ها باید در راستای آن گام بردارند، می‌توان موارد زیر را نام برد.

- کاربردی کردن رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به منظور آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان با نحوه ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه به ویژه در رشته‌های فنی، مهندسی، اقتصاد، مدیریت و بازرگانی
- ایجاد دوره‌های آموزش کارآفرینی در قالب (کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، دوره‌های تربیت مدرس کارآفرینی)
- مورد توجه قرار دادن طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه کارآفرینی
- ایجاد تغییرات بنیادین در شیوه‌ها و محتوای آموزش در کلیه رشته‌های تحصیلی در مقاطع مختلف به گونه‌ای که موجب ایجاد خلاقیت و نوآوری در فراگیران شود

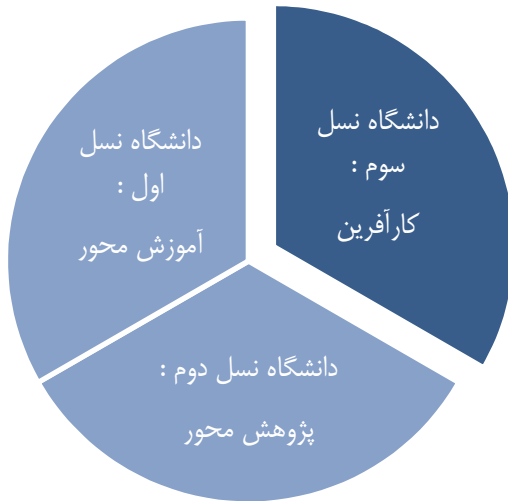
- تشکیل گروه‌های تحقیقاتی جهت بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون کارآفرینی و همچنین سنجش کیفیت برنامه‌های کارآفرینی دانشجویان و ارائه بازخوردهای اصلاحی
 - با توجه به اینکه کارآفرینی موتور و هسته اصلی تغییر در تعدل اقتصادی است، باید توسعه و نوآوری و نقش سریع و موثر آن در بازار نیز بررسی شود
 - برگزاری همایش‌های تخصصی کارآفرینی با همکاری اساتید عضو هیئت علمی
 - تحول رویکردهای سنجش دانشجویان و دانش‌آموزان از رویه‌های سنتی به رویه‌های نوین
 - تربیت و پرورش اساتید جهت انجام آموزش‌های کارآفرینانه به دانشجویان
 - راه اندازی رشته‌های مرتبط با کارآفرینی در دانشگاه
- آموزش عالی باید بتواند با ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب در پرورش ویژگی‌های پیشرفت طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت، کنترل درونی و ریسک پذیری در دانشجویان موثر بوده و توانایی‌های بالقوه دانشجویان را شناسایی نماید و این توانایی را در بین آن‌ها ایجاد کند که به جای جستجوی کار خودشان به عنوان نیروی مولد، علاوه بر ایجاد کسب و کار برای خود و دیگران نیز کار کنند.
- دانشگاه امروز دیگر تنها وظیفه‌ی آموزش دروس را ندارند، بلکه آنها باید در مسیر فرهنگ‌سازی، اندیشه‌های پاک و درست، تحقیقات گسترده علمی و پژوهشی و بسیاری عوامل دیگر گام‌های بزرگی بردارند. کارآفرینی موضوعی است که در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته بسیار مهم تلقی می‌شود. هرچند در کشور ما نیز

اقداماتی در برخی از دانشگاه‌ها صورت گرفته است، اما نتایج آن هنوز مورد قبول واقع نمی‌باشد. آموزش باید طوری باشد که دانش آموزان پس از اتمام تحصیل، نه به دنبال کاریابی، بلکه به دنبال کارآفرینی باشند.

به گفته‌ی بارتون کلارک^۱، دانشگاه‌ها امروزه باید پویا و کارآفرین باشند و بتوانند ارزش‌های مدیریتی و تخصصی را آموزش دهند.

محور اساسی دانشگاه کارآفرین، آموزش کارآفرینی است و فرآیند آموزش کارآفرینی شامل چهار مرحله توجه، دانش، تجربه و عمل است که به طور کلی تحت عنوان رفتارهای کارآفرینی مستلزم طی نمودن مراحل است که تحقق هر یک مستلزم آموزش‌های متناسب، متعدد و متفاوت از روش‌های آموزش سنتی کنونی است.

زمانی دانشگاه به عنوان یک موسسه کارآفرین و یاد دهنده مطرح می‌شود که رفتارهای کارآفرینی در تمام ابعاد آن مشهود باشد. این رفتارها عمدتاً و مقدمتاً لازم است در نیروی انسانی دانشگاه‌ها، یعنی دانشجویان، کادر علمی و کادر اداری بروز یابد. بروز این رفتارها در اشکال مختلف از جمله سیاست‌ها، خط مشی‌ها، فضا و هر یک از عناصر برنامه درسی رشته‌های مختلف و در دیدگاه و باورهای کادر علمی و مدیریتی امری ضروری است. دانشگاه‌ها به سه نسل متفاوت دسته‌بندی می‌شوند:



بسیاری از دانشگاه‌های مطرح اخیراً به سمت دانشگاه‌های نسل سوم پیش رفته‌اند که در آن دانشجویها، اصلی‌ترین سرمایه دانشگاه می‌باشند. در کشور ما بیشتر دانشگاه‌ها در نسل اول و تعدادی از آنها در نسل دوم به سر می‌برند. در سال‌های اخیر گام‌هایی برای حرکت به نسل سوم برداشته شده است، ولی تا رسیدن به دانشگاه‌های نسل سوم هنوز فاصله باقی است.

درس یا کارآفرینی، انتخاب با شماست؟

وعده‌های قدیمی ساخته شده توسط نظام آموزش و پرورش ما این بود که اگر شما واقعا درس بخوانید، تقریباً کار مورد نظر شما تضمین شده است.

در دنیای امروز، شما نمی‌توانید بر روی هر چیزی یا هر کسی تکیه کنید. شما باید خودتان بتوانید کارهایتان را انجام دهید. ما این را فرا گرفته‌ایم که اگر درس نخوانیم، بیچاره‌ایم، آینده‌ای تاریک پیش روی ماست. آینده‌ای که در زمان حال خبر از هزاران گرفتاری می‌دهد. حدس می‌زنم تا اینجا پیش خودتان آینده‌ی

سیاهی را تصور کرده‌اید و تعداد کمی از شما توانسته‌اید زندگی مجلل و لوکسی را برای خودتان متصور شوید.

اما آیا به واقع این‌طور است که با درس نخواندن به همان آینده‌ی سیاه قرار است سلامی بگویم؟

باید گفت بله. برای بعضی افراد فقط تحصیلات بالا ملاک موفقیت قرار دارد. البته منظور ما این نیست که با درس خواندن هم نمی‌توان به خیلی چیزها از جمله ثروت دست پیدا کرد، بلکه منظور ما این است که شما قطعاً با تغییر تفکر و سبک زندگی خود حتماً می‌توانید به آنچه که می‌خواهید دست پیدا کنید. کافی است خود را باور داشته باشید. از بعضی از افراد باید این سوال را کرد که آیا واقعا ایمان و باور به خود این‌قدر سخت است؟ آیا اینقدر ضعیف هستید که کمی تلاش و کوشش شما را از پای در می‌آورد؟

تنها ۴۲ درصد از جمعیت ایران خواهان شغل‌های ثابت اداری و دولتی هستند و ۶۵ درصد دانشجویان نیز از پیدا کردن شغل ناامید هستند. با این حال بسیاری از ما چشم به دولت می‌دوزیم تا برایمان کاری دست و پا کند. درست است که دولت و دولت مردان وظیفه‌ی خدمت رسانی به مردم را دارند، اما نمی‌شود تنها آن‌ها را مقصر اصلی دانست. نمونه‌های زیادی هستند از افرادی که بدون تحصیل توانسته‌اند نام خود را جاودانه و در تاریخ ثبت کنند. استیو جابز (موسس اپل)، جان کوم (موسس واتس‌آپ)، لری الیسون (موسس اوراکل)، ریچارد برانسون (موسس ویرجین) و ... از افرادی بودند که تنها با اراده و پشتکار توانستند به افراد موفقی تبدیل شوند. تمامی این افراد دارای ویژگی‌هایی هستند که با انجام آن‌ها دست به کارهای بزرگ می‌زنند. ویژگی‌هایی مثل:

- آن‌ها هیچ وقت قانع نیستند، حتی در بهترین شرایط نیز، همواره بهترین‌ها را

می‌خواهند.

- آن‌ها از خودشان توقع دارند، نه از دیگران. به طور مثال استیو جابز زمانی که پس از تحمل سختی‌های بسیار توانست اپل را به کمپانی میلیارد دلاری تبدیل کند، او را از شرکتی که خودش آن را تاسیس کرده بود اخراج کردند و او بعد از این کار از پای‌ننشست و شرکت نکست و پیکسار را بنیان گذاشت که شرکت نکست پس از چندی توسط اپل خریداری شد و جابز دوباره به اپل بازگشت.

- همیشه افراد موفق هر طور که شده به سمت علاقه خود می‌روند و دست از پا نمی‌کشند. رفتن به سمت علاقه‌ی خود و انجام آن حتی در صورت موفق نشدن نیز خیلی بهتر از آن است که بخواهیم بیکار و بی‌تفاوت نسبت به آن، به دنبال آن نرویم.

اگر کلی دلیل و مثال‌های متعدد بیاوریم، تنها کاری که این افراد انجام می‌دهند، یک کار است و آن رفتن به سمت علاقه و آن چیزی است که دوست دارند. باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که ترک تحصیل این افراد از روی بی‌سوادی آن‌ها نیست. آن‌ها صرفاً از تحصیل در دانشگاه و بی‌علاقگی نسبت به دروس بی‌ربطشان از تحصیل کناره‌گیری می‌کنند. پس بهتر است کمی دیدگاه‌مان نسبت به این را نیز تغییر دهیم که ما نیز با ترک تحصیل فردی بی‌سواد خطاب می‌شویم. فکر می‌کنم به این نتیجه رسیده باشیم که ترک تحصیل کردن نیز نمی‌تواند مانعی برای کسب و کار ما باشد. پس باید هرچه سریعتر دست به کار شویم.

شما می‌خواهید با کلی انرژی و صرف زمان و هزینه به جایگاهی برسید که مدرکی به شما بدهند و بعد از آن تازه به دنبال کار می‌گردید و بعد از خروج از این مرحله نیز می‌خواهید استخدام فردی شوید که او می‌خواهد با استفاده از شما

به خواسته‌هایش برسد. بهتر نیست اگر علاقه‌ای به تحصیلات نداریم آن را کنار گذاشته و به سمت و سوی علاقه خود برویم. جایی که از بچگی آرزوی رسیدن به آن را داشتیم، گه‌گاهی با رویای آن به خواب رفته و صبح‌ها با فکر آن از خواب بیدار شده‌ایم، خواب آن را دیده‌ایم، تمامی روز و شب، حتی در داخل کلاس‌های درس در فکر آن بوده‌ایم. انتخاب با خودتان است.

قبل از هرچیز باید تکلیف خودمان را مشخص کنیم. برخی با شنیدن اخباری مربوط به فروش چند میلیارد دلاری اینستاگرام به فیسبوک، خرید لینکدین توسط مایکروسافت یا خرید شرکت‌های کوچک‌تر توسط کمپانی‌های مطرح و بزرگ‌تر تصمیم بر این می‌گیرند که یکباره شرکتی این چنینی تاسیس کنند.

همان‌طور که اشاره کردیم شما اول باید با خودتان کنار بیایید تا بتوانید خود را کامل قانع کنید که می‌خواهید راهی را که مدنظرتان است ادامه دهید. باید بیشتر تحقیق کنید، مشورت بخواهید، با خانواده صحبت کنید و از راهنمایی‌های آن‌ها بهره ببرید. باید خودتان را آماده چالش‌های کارآفرینی کنید.

آیا شما طاقت بیش از ۱۵ ساعت کار در یک روز را دارید؟ آیا شما حاضر هستید مدتی را بدون پول کار کنید؟ آیا از اینکه می‌خواهید مقدار پس‌انداز پولتان را در کاری قرار دهید که از آینده آن خبری ندارید مشکلی ندارید؟ باید جواب به این سوال که آیا من میتوانم، را برای خود پیدا کنید. شاید الان کمی ترسیده باشید. آیا آماده این ترس‌ها هستید؟ صرفاً از این دید وارد کارآفرینی نشوید. ما در بخش‌های قبل اشاره کردیم که شما باید فقط و فقط عاشق کارتان باشید تا بتوانید به موفقیت برسید. حال آن کار می‌خواهد، یک قهرمان ورزشی باشد یا یک فضانورد یا کارآفرین و یا شاید یک فوق‌لیسانس ادبیات.

برخی‌ها از بیرون کارآفرینی را ساده می‌پندارند و به همین دلیل برای فرار از درس به سراغ آن می‌آیند. اما در این جا نیز به بن‌بست می‌خورند و بنابراین دیگر نه میلی به درس دارند و نه میلی به کارآفرینی. برای اینکه ما نیز آگاهی بیشتری داشته باشیم و مجبور به تصمیمات عجولانه و نادرست نشویم با هم به بررسی چالش‌ها و ریسک‌هایی که کارآفرینی در پی دارد می‌پردازیم.

۱. انصراف از شغل فعلی

شما برای شروع یک کسب و کار نیاز دارید تا تمام وقت بر روی آن کار کنید تا بتوانید آن را رشد و به جایگاه مورد نظر برسانید. ممکن است شغلی با مزایای عالی را داشته باشید، اما هدفی که دارید باید برایتان مهم باشد.

۲. وضعیت مالی

طبیعت کارآفرینی طوری است که شاید شما مجبور باشید برای مدتی بدون هیچ درآمد و پولی زندگیتان را بچرخانید و گاهی نیز حتی همان پس‌اندازی که حاصل کار شما در گذشته بود نیز باید خرج کنید تا کسب و کارتان را سرپا نگه دارید.

۳. سحر خیز بودن

دیگر باید با دورانی که خواب‌های طولانی مدت داشته‌اید خداحافظی کنید. خوابیدن تا ظهر در روزهای تعطیل را نیز کنار بگذارید و تمام روز و شب و روزهای تعطیل مشغول کار باشید. (این بخش یک بخش غم‌انگیز برای کسانی است که عاشق خوابیدن هستند، ام هدفشان فراموش نشود)

۴. تنهایی

معمولا کارآفرینان انسانی‌هایی خوشحال و شاد هستند، چون عاشق کارشان‌اند. انسان‌های دیگر آنها را به چشم آدم‌هایی افسرده و بداخلاقی

می‌بینند که اجتماعی نیست و دوست ندارد با کسی تعامل کند. در صورتی که سخت در اشتباهند. کارآفرینان دوست اول و آخرشان کارشان است. برای همین مدت‌های زیادی و دفعات کمتری با دوستان و آشنایان نشست و برخاست می‌کنند. یادتان باشد حرف‌های دیگران در مورد خودتان را جدی نگیرید.

۵. مدیریت و رهبری

پیدا کردن تیم، نظارت بر آنها، انگیزه دادن، درک کردن مشکلات تک تک اعضا، رسیدگی به کارها و ... از جمله مواردی است که شما با آنها سر و کار دارید.

این پنج نکته تنها بخشی از بین هزاران نکته‌ای است که وجود دارد که گفته شد. کارآفرینی میدان مبارزه است و شما باید جنگجو باشید تا پیروز شوید. اگر اهل تلاش و حل مسئله نیستید پس به تحصیل‌تان ادامه دهید. معمولاً کارآفرینان شجاعت و عقل را ضمیمه کارشان قرار می‌دهند. آنان سال‌های سال در کنار درس و موقعیت شغلی، به فکر گسترش و راه‌اندازی ایده‌ی خود بوده‌اند. کارآفرینان با کارشان تحصیل می‌کنند و همزمان با آن مفاهیم را یاد و تجربیات را به دست می‌آورند. آنان تحصیل را تنها در پشت میز نشستن دانشگاه و مدرسه نمی‌دانند. از این جهت مسائلی را یاد می‌گیرند که برخی نیز در زندگی عادی فرد، کاربرد فراوان دارد و در دانشگاه و مدارس نیز آموزش داده نمی‌شود. مانند مهارت‌های رهبری، خلاقیت، اعتماد به نفس، خودشناسی، مهارت‌های مذاکره، زبان بدن، مدیریت زمان.

کارآفرینان افرادی هستند که به ریاضی یا فیزیک یا حتی دروس اختصاصی خودشان در دانشگاه‌ها نیز علاقه‌ای ندارند. هرگز فراموش نکنیم که کارآفرینان

دانش آموز نیستند. ویژگی که بین اکثر آنها به چشم میخورد خلاقیت و نوآوری در هر زمان و هر مکان یا با هر وسیله‌ای است که منجر به خلق ایده‌های نو می‌شود. البته این بدان معنا نیست که انسان‌های دیگر خلاق نیستند و توان خلق ایده‌های جدید را ندارند. همه‌ی انسان‌ها خلاق هستند، چون این امر در وجود آنها نهفته است. به گفته پیکاسو "همه کودکان هنرمند هستند". برخی از آن استفاده می‌کنند و برخی نیز خلاقیت‌هایشان کشته یا دفع می‌شود، آن هم توسط مدارس و دانشگاه‌ها، که در این بین نقش مدارس پررنگ‌تر است.

این یک واقعیت است که سیستم آموزشی یکی از علل اصلی از بین بردن خلاقیت‌هاست. امروزه خلاقیت یکی از ارکان مهم در کنار خواندن و نوشتن است و باید به همان شکلی که به خواندن و نوشتن اهمیت داده می‌شود، به خلاقیت نیز اهمیت داد. چه بسیار دانش‌آموزان و دانشجویانی که با سیستم آموزشی اشتباهی که نه تنها در ایران، بلکه در اکثر نقاط دنیا نیز قرار دارند، دچار تباهی می‌شوند. سیستمی که تنها برخی از دروس را فوق‌العاده مهم می‌داند و به باقی دروس به چشم درس‌هایی کم اهمیت نگاه می‌کند. قطعاً ریاضیات مهم هستند اما هنر و ورزش نیز به همان اندازه مهم هستند. سیستمی که به افرادی با طرز تفکر گوناگون، فقط تاکید بر چند درس دارد.

سیستمی که افرادی را در آن سنین حساس و مهم به رقابت، به جای کار تیمی، با یکدیگر وا می‌دارد و در آخر با گرفتن امتحان و پرسش چند سوال، سطح هوشیاری آنها را می‌سنجد. آیا واقعا این چند سوال سطح هوشیاری افراد را مشخص می‌کند؟ مهم‌تر از همه آن‌که آن‌ها را از اشتباه کردن می‌ترساند و این یعنی سلاح کشنده‌ای که خلاقیت را در درون افراد از بین می‌برد.

اگر از اشتباه کردن بترسید، هیچ وقت فکری تازه به ذهن‌تان خطور نمی‌کند. بیشتر

انسان‌ها این قابلیت را از دست داده‌اند و تبدیل به کسانی شده‌اند که از اشتباه کردن می‌ترسند. ما برای کودکان و جوانان اشتباه را شبیه به گناه جلوه می‌دهیم. در طول چند سال گذشته بسیاری از کشورها به خوبی این موضوع را درک کرده‌اند و در پی بهبود آن، اقداماتی را انجام داده‌اند. در این بین فنلاند پیشروترین کشور در این عرصه است.

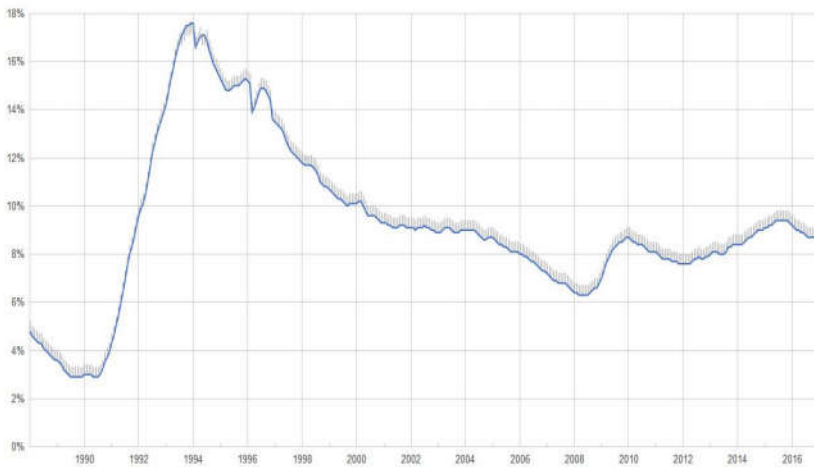
در فنلاند که یکی از بهترین و متنوع‌ترین سیستم‌های آموزشی را داراست، بچه‌ها تکلیف شبانه ندارند و تمامی کارهای مربوطه را در مدرسه انجام می‌دهند. آن‌ها معتقدند که بچه‌ها باید زمان بیشتری کودکی کنند و از نوجوانی و جوانی خود لذت ببرند. فنلاند کوتاه‌ترین زمان آموزش را دارد و بچه‌ها از اول تا ششم ابتدایی را با یک معلم و یک کلاس درس می‌مانند.

معلمان از حقوق خوبی برخوردار هستند و مدرک تحصیلی آن‌ها باید کارشناسی ارشد باشد و آزادی عمل در تدریس‌شان دارند. دانش‌آموزان با بازی و آزمایشات مختلف به صورت گروهی به یادگیری مباحث می‌پردازند. تاکید این مدارس بیشتر بر روی هنر، موسیقی و ورزش کردن است که اهمیت بیشتری نسبت به درس خواندن بچه‌ها دارد.

سنگاپور و امارات کشورهای هستند که سعی بر این داشته‌اند تا بتوانند مدارس خود را همانند فنلاند متفاوت کنند. فنلاند برنامه‌ای جامع و بلند مدت را برای اقتصاد و کارآفرینی خود در نظر گرفته است. آن‌ها اولین کشوری بودند که با تمرکز بر روی کارآفرینی، اقتصاد و جامعه و با نگاهی بلند مدت، سیستم آموزشی خود را تغییر دادند.

این کشور در اوایل دهه ۹۰ رکود اقتصادی بی سابقه‌ای داشت، ولی امروزه از نظر اقتصادی در شرایط مطلوب می‌باشد.

میزان بیکاری از ۶/۱۷ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۹ درصد در سال ۲۰۰۴ رسید. شرکت‌های SME^۱ (بنگاه‌های کوچک و بزرگ) در فنلاند حدود ۶۰ درصد از اشتغال را ایجاد می‌کند. به منظور توجه به بحث کارآفرینی و توسعه آن در این کشور دولت فنلاند از سال‌های ۲۰۰۵ - ۱۹۹۵ را دهه کارآفرینی معرفی نموده و برنامه‌هایی را برای ارتقای کسب و کار در این کشور اجرا نموده است.



نرخ بیکاری در فنلاند از سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۶

آموزش کارآفرینی به صورت سیستم مدرسه‌ای دبستان تا دانشگاه را شامل می‌شود. دو درجه مخصوص کارآفرینی در سطح دبیرستان در ادامه آن آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد، یکی، درجه پایین‌تر صلاحیت کارآفرین و دیگری درجه تخصصی صلاحیت کارآفرین می‌باشد.

از آغاز سال ۱۹۹۹ آموزش‌های کارآموزی برای کارآفرینی نیز دایر شد. دپارتمان‌های کسب و کار در ۱۵ مرکز توسعه اقتصادی و استخدامی ناحیه‌ای،

برنامه‌های آموزشی مختلفی را به مدیران شرکت‌ها، افراد کلیدی و کسانی که می‌خواهند کارآفرین شوند ارائه می‌دهد. برنامه‌های آموزش برای ایجاد شرکت وظایف و مشکلات مربوط به آموزش، تجزیه و تحلیل شرکت، آموزش توسعه‌ای و مدیریت آموزشی را شامل می‌شود.

دانشگاه‌های فنلاند نیز برنامه‌ای را برای بهبود کارآفرینی تدارک دیده‌اند که عبارتند از:

مدرسه عالی اقتصادی و امور بازرگانی تورکو، دانشکده امور بازرگانی دانشگاه واسا، انستیتو تکنولوژی و کسب و کارهای بین‌المللی دپارتمان مهندسی صنایع و مدیریت دانشگاه فنی هلسینکی، دانشکده کسب و کار و اقتصاد دانشگاه جی واسکیلا، دپارتمان بازاریابی و کارآفرینی مدرسه کسب و کار CSU. دانشگاه‌های فوق‌علاوه بر تدریس کارآفرینی و دروس مربوط با آن، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی نیز برگزار می‌کنند.

این دانشگاه‌ها در زمینه کارهای تحقیقاتی کارآفرینی نیز فعال هستند. به عنوان مثال پروژه چشم‌اندازهای جدید کارآفرینی در سال ۲۰۲۰ میلادی توسط مرکز توسعه دانشگاه تورکو و مرکز تحقیقات آتی فنلاند در حال انجام می‌باشد. هر روزه تعداد کشورهای که می‌خواهند الگویی شبیه به فنلاند را پیاده‌سازی کنند اضافه می‌شود. حتی آمریکا تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با این کشور و سیستم آموزشی آن داشته است. امیدواریم که کشور ما نیز با بررسی‌های دقیق و الگو برداری از فنلاند، این مشکلات را برطرف کند.

در ایران دو هزار و ۶۴۰ دانشگاه وجود دارد در حالی که چین تنها دو هزار و ۴۸۱ و هند هزار و ۶۲۰ دانشگاه دارد. تعداد دانشگاه‌ها در اغلب کشورهای پیشرفته جهان زیر ۵۰۰ دانشگاه است، به طوری که آلمان ۴۱۲، انگلیس ۲۹۱،

کانادا ۳۲۹، ایتالیا ۲۳۶ و هلند ۴۲۳ دانشگاه دارند. این تعداد دانشگاه در ایران، حدود ۵ هزار میلیارد تومان از بودجه کل کشور را در بر می‌گیرد و نزدیک به ۵۰ درصد از جمعیت بیکار کشور را تولید می‌کند. برخی کشورهای اروپایی نظیر نروژ، سوئد، دانمارک، فنلاند و ... زیر ۱۰۰ دانشگاه با کیفیت تأسیس کرده‌اند. اگر حوزه‌های علمیه را به لیست دانشگاه‌های ایران اضافه کنیم، می‌توان گفت ایران بزرگترین تولیدکننده مدرک تحصیلی است.

از سوی دیگر، مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام می‌دارد که جمعیت دانش‌آموختگان و در حال تحصیل دانشگاهی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ با رشد ۹/۴ درصدی افزایش یافته و نرخ بیکاری این گروه از افراد از سال ۱۳۵۵، که ۰/۴ درصد بوده، به ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که طی این دوره با اینکه ظرفیت دانشگاه‌ها افزایش یافته، ولی فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کشور عمدتاً نیازمند تخصص‌های دانشگاهی نبوده است. اگر چه میزان این ناسازگاری در گروه‌های تحصیلی مختلف متفاوت است.

شرح	کل جمعیت (فعال و غیر فعال)	جمعیت فعال			نرخ بیکاری
		کل	شاغل	بیکار	
سال ۱۳۵۵	۴۳۳۳۹۱	۲۹۷۶۸۰	۲۸۶۳۱۵	۱۱۳۶۵	۰/۴
سال ۱۳۹۰	۱۰۰۱۱۶۷۶	۴۶۴۳۶۱۸	۳۷۴۱۹۹۹	۹۰۱۶۱۹	۱۹/۴
متوسط رشد دوره	۹/۴	۸/۲	۷/۶	۱۳/۳	۱۱/۷

جمعیت با نرخ تحصیلات عالی در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

کسانی که با داشتن مدارک بالای تحصیلی هر روز صبح منتظر آگهی روزنامه‌ها هستند و روزهایی که بی‌وقفه بزرگترین ارزش زندگی، یعنی زمان را می‌گیرند. با این حال مدارک دانشگاهی، دیگر ارزش گذشته خود را از دست داده‌اند. برخی دانشگاه‌هایی که به جای تربیت افراد متخصص و کارآفرین، به آن‌ها به چشم مشتری می‌نگرد و تا هر زمان که دانشجو پول بدهد او در دانشگاه با خیالت راحت به تحصیل می‌پردازد. با نگاهی به میزان هزینه‌هایی که برای شهریه مدارس و دانشگاه‌ها پرداخت می‌شود، به آماری جالب دست پیدا می‌کنیم:

بر اساس بررسی‌ها در تابستان ۹۵، میانگین شهریه‌های مدارس غیرانتفاعی بدین گونه است: مدرسه غیرانتفاعی ابتدایی درجه یک ۶ میلیون تومان، مدرسه غیرانتفاعی ابتدایی درجه دو ۵ میلیون تومان، مدرسه غیرانتفاعی راهنمایی درجه یک ۶ میلیون تومان، مدرسه غیرانتفاعی راهنمایی درجه دو ۵/۶ میلیون تومان، مدرسه غیرانتفاعی دبیرستان درجه یک ۹ میلیون تومان و مدرسه غیرانتفاعی دبیرستان درجه دو هفت میلیون تومان (کمتر یا بیشتر از این رقم شهریه‌ها نیز وجود دارد اما این ارقام به صورت میانگین است).

همچنین گردش مالی، صنعت کنکور آزمایشی و کتب کمک آموزشی در کشور ما، هر کدام بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان را در بر می‌گیرد. در مقابل، شرکت‌های دانش بنیان گردش مالی برابر با ۳۰ هزار میلیارد تومان را در بر داشته‌اند. این شرکت‌ها ۱۲۰ میلیون دلار نیز صادرات داشته‌اند.

این تنها میانگینی از مبالغ شهریه‌ها می‌باشد و مابقی هزینه‌هایی مانند کتاب، مواد و... را نیز در نظر بگیرید. هزینه رفتن یک بچه به مدرسه چیزی بین یک تا ده میلیون تومان را در بر می‌گیرد. میزان شهریه دانشگاه‌ها نیز تا چند ده میلیون بستگی به دوره تحصیلی آن متغیر خواهد بود.

در مدارس دولتی ایران بچه‌ها ۱۶ هزار ساعت از اول دبستان تا پیش دانشگاهی را در مدارس سپری خواهند کرد!!!

این همه هزینه، زمان و انرژی زیادی که صرف می‌کنید و آمار بالای بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان و تعداد حداقل ۱۱۰ هزار دکتری بیکار نتیجه هزینه پول‌هایی است که اکثراً بدون منطق خرج شده است. آیا این زمان‌ها و هزینه‌ها، نمی‌توانست مبلغ خوبی برای راه‌اندازی کسب و کار شخصی خودمان باشد؟

احتمالاً الان به این موضوع فکر می‌کنید که درس خواندن مهم است و باید هزینه کرد تا بتوان مدرک مناسبی گرفت. بله درست است. باید برای درس خواندن متحمل هزینه‌هایی شد. آموزش و تحصیلات مهم هستند، اما اینکه آموزش چگونه می‌تواند نقش مثبت و مفیدی را ایفا کند مهم است.

اینکه درس بخوانیم و بعد شغلی نداشته باشیم چه؟ باز هم درس فایده‌ای داشته است؟ بهتر است این مورد را با یک مثال توضیح دهیم:

بعد از گذشت چندین سال از درس خواندن شما، حالا نوبت به دنبال کار گشتن است که پروسه‌های آن را نیز به خوبی می‌دانید. برای مثال در رشته مهندسی کامپیوتر، بازار کار، دیگر از شما فیزیکی را که در دوران تحصیل‌تان گذرانید نمی‌خواهد، یا مسئله‌ی انتگرال ریاضی را پیش روی شما قرار نمی‌دهد. بلکه از شما یک مهندس خبره می‌خواهد، مهندسی که علم والایی به کامپیوتر و مسائل پیرامون آن را دارد.

این موارد را گفتیم اما اگر کار مورد علاقه و مرتبط با رشته خودتان را پیدا نکردید چه می‌کنید؟، حقوقش را هم که می‌دانید چقدر است؟ از این گذشته شما در جایی استخدام شده‌اید، یعنی می‌خواهید از آرزوهای خود چشم‌پوشی کنید و آرزوهای رئیس خودتان را برآورده کنید. آیا با شرایطی که می‌بینید و پیش‌بینی

می‌کنید، باز هم درس می‌خوانید؟ بیشتر انسان‌ها ترس از کارآفرینی دارند. ترس‌شان بابت این است که با این کار و با توجه به زمان، انرژی و هزینه‌ای که می‌کنند چیزی عایدشان نشود. به همین علت است که بیشتر به سراغ همان درس خواندن می‌روند. غافل از اینکه سخت در اشتباه‌اند.

کارآفرین باید درک بالا داشته باشد، نه مدرک بالا. با کارآفرینی، انسان فرد با تجربه‌تر و مسئولیت‌پذیرتری خواهد شد و در مقابل مشکلات بیشتر دوام خواهد آورد. بسیار بیشتر از آنچه که انتظارش را داشته باشید، مهارت‌های مختلفی را کسب خواهید کرد. بسیار بیشتر از مدرسه و دانشگاه. شما در کارآفرینی هم مهارت‌های تئوری و هم مهارت‌های عملی خود را در چند حوزه فرا خواهید گرفت.

پس از شکست نترسید و به راهتان ادامه دهید. اگر از شکست می‌ترسید باید از درس‌هایی که در آن‌ها نمرات پایین‌تری می‌گیرید و بارها بابت آن ضرر دیده‌اید نیز ترس داشته باشید و یا به کل آن‌ها را کنار بگذارید.

بحث دیگری که جامعه را به خود درگیر کرده، عطش مدرک‌گرایی است. گرفتن مدرک و شناخته شدن با القابی مانند دکتر، بسیاری را به سمت گرفتن مدرک سوق داده است و بسیاری از افرادی را که می‌خواهند به کارآفرینی روی بیاورند را وسوسه این نام‌ها و القاب می‌کند. در مواردی نیز به ضرر آنان تمام می‌شود. این کار ناشی از تفکراتی است که در صفحات قبل به آن‌ها اشاره کردیم. متأسفانه این رویه، بخش علمی و اقتصادی کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

افرادی را که با داشتن مدرک بدون تخصص و با سوادی اندک خواهان شغل‌هایی با درآمدهای بالا هستند و با وجود شرایط، چندان میلی به راه‌اندازی کسب و کار شخصی خود ندارند. از این رو ضربه‌ای سنگین را به دانشگاه‌ها و

اقتصاد کشور وارد می‌کند. طبق آمار یونسکو در چند سال آینده تعداد افراد تحصیل کرده، بیشتر از تمام افرادی خواهد بود که در طول تاریخ تاکنون از طریق آموزش و پرورش فارغ التحصیل شده‌اند. آماری دیگر نشان می‌دهد که از میان ۳۰ شغلی که طی سال‌های آینده سریع‌ترین رشد را خواهند داشت، فقط هفت عدد از آن‌ها به مدرک چهار سال استاندارد دانشگاه نیاز دارد.

سیستم مدارس و دانشگاه‌ها طوری است که انسان‌ها را برای کارمند بودن تربیت می‌کند، نه برای کارآفرین شدن. اگر می‌خواهید کارمند باشید بهترین تصمیم را اتخاذ نموده‌اید. شاید دانشگاه به نوعی نتواند نیازهای آموزشی را که کارآفرینان به دنبال آن بودند و از رفتن به آن توقع داشتند را برآورده کند، اما قطعاً تأثیرات فراوانی بر خصوصیات، زندگی روزمره و اخلاق و رفتار و آینده آن‌ها دارد، که با دقت به آن‌ها می‌توان نکات مثبت زیادی را فرا گرفت و از آن‌ها در جهات مختلف استفاده کرد.

۱. تعامل با افراد

محیط دانشگاه طوری است که طرز برخورد با دیگران را تا حدود زیادی یاد می‌گیریم. نوع صحبت با اساتید، صحبت و رفتارمان با جنس مخالف و ... در نگاه اول دورسی که باید توسط دانشجو ارائه داده شود برای اکثر دانشجویان خیلی سخت و دلهره آور است، در صورتی که با کمک همین دروس ما یاد می‌گیریم که چگونه باید در جمعی سه نفره، ده نفره، سی نفره و بالاتر صحبت کنیم و اعتماد به نفس خود را بالا ببریم. این بخش برای کارآفرینان فوق العاده حائز اهمیت است. ارائه دادن‌ها می‌تواند از شما یک سخنران خوب بسازد. پس از آن غافل نباشید.

۲. تشکیل تیم

هیچ کارآفرینی را نمی‌توان پیدا کرد که به تنهایی تمامی کارها را خود انجام داده باشد. از مهم‌ترین علل موفقیت کارآفرینان تیم‌های آنها هستند. پیدا کردن تیم زمان و انرژی بسیار زیادی می‌گیرد. دانشگاه و حتی دوران دبیرستان، به نوعی بهترین مکان برای ساخت یک تیم است. در دانشگاه شما به مجموعه افراد با مهارت‌های مختلف دسترسی دارید که هر کدام از آنها می‌توانند کمک قابل توجهی به شما کنند

۳. اعتبار مدرک

ممکن است برای راه‌اندازی کسب و کار خود در برخی موارد لازم باشد که از مدرک دانشگاهی خود استفاده کنید و نداشتن آن احتمالاً شما را با دردسرهایی مواجه خواهد کرد. به عنوان مثال شما در حوزه‌ای فعالیت دارید که می‌خواهید با شرکت‌های دولتی در ارتباط باشید. این مدرک می‌تواند کمک کند. متأسفانه با توجه به غالب ذهنی افراد در جامعه، اگر مدرک نداشته باشید، خیلی‌ها شما را جدی نمی‌گیرند و حتی بهترین سخن‌ها را بزنید خیلی به شما اهمیت نمی‌دهند

۴. اساتید راهنما

همیشه اساتید دانشگاه نقش پررنگی در عرصه‌های علمی و اجرایی دانشگاه‌های کشور دارند. دسترسی به جامعه‌ای از استادها با تجربیات فراوان در زمینه‌های گوناگون فوق‌العاده مفید است. اکثر آنها بر موضوعات مختلف تسلط دارند و در راهنمایی‌ها و شبکه‌سازی برای شما موثر هستند

در گذشته، کارآفرینی مبتنی بر منابع مادی و تجربه بود. اما از اوایل دهه ۱۹۹۰ پدیده‌های نوآوری مبتنی بر دانش، کارآفرینی مبتنی بر دانش و اقتصاد در تعامل با یکدیگر رشد و توسعه پیدا کرده‌اند. در واقع، علت اصلی ظهور اقتصاد مبتنی بر دانش، پیدایش نوآوری و کارآفرینی مبتنی بر دانش بوده است.

دانشگاه به دلیل داشتن ویژگی‌های پایه مانند سرمایه‌ی انسانی در قالب دانشجو و اعضای هیأت علمی محل مناسبی برای نوآوری مبتنی بر دانش است. از این رو دانشگاه به عنوان مهم‌ترین مرجع تولید و اشاعه‌ی دانش جدید می‌تواند کارآفرینی کند، اما به شرط آن که با برنامه ریزی‌های دقیق و به طور منظم به آن‌ها عمل کند.

دانشگاه‌ها و مدارس فرصتی را برای کارآفرینان رقم می‌زند تا باعث شود آنان بیشتر بر روی موانع و فوایدی که ادامه تحصیل برایشان دارد فکر کنند. اندیشیدن به این موارد، باعث به وجود آمدن ایده‌های جدید و زیبا در فکر آدمی است که پایه و اساس کارآفرینی را شکل می‌دهد و نیرو و انگیزه لازم را برای خلق دنیایی بهتر به وجود می‌آورد. علاوه بر این‌ها شما می‌توانید از نزدیک با افراد دیگر صحبت کرده و از مشکلات آن‌ها، ایده‌های نو بسازید و آن را به طرحی تجاری تبدیل کنید. همچنین می‌توانید مشتری‌های بسیاری در این محیط‌ها برای خود به دست آورید.

در مواقعی مدرسه و دانشگاه مهم‌ترین نقش را در زندگی افراد کارآفرین ایفا می‌کنند. ممکن است در دوران تحصیل به واسطه دروسی که داریم با اصطلاحات و لغات جدیدی آشنا شویم که برایمان جذابیت زیادی دارد. شنیدن آن این شوق را در ما ایجاد می‌کند که در موردش بیشتر تحقیق و جستجو کرده و باعث علاقه‌مندی ما نسبت به آن موضوع شود.

به طور مثال دانش‌آموز یا دانشجویی که علاقه خاصی به مارک زاکبرگ دارد، می‌خواهد مانند او در دنیای اینترنت فعالیت داشته باشد. او نمی‌داند که چطور باید کارش را آغاز کند، چطور تیم پیدا کند، با سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها آشنایی ندارد. فقط می‌داند که زاکبرگ و امثال او با داشتن ایده و درست کردن

سایت توانسته‌اند خود را مطرح نمایند و به ثروت زیادی دست پیدا کنند. مهم‌تر از همه آن که موفق شده‌اند بسیاری از نیازهای انسان را برآورده کنند.

در مدرسه و دانشگاه از جانب اساتید، دوستان و کتاب‌های درسی با اصطلاحی به نام تجارت الکترونیک یا استارت‌آپ‌ها برخورد می‌کند. کافی است متوجه شود، فیسبوکی که زاک‌برگ بنیان‌گذار آن بوده چه تاثیر بزرگی در تجارت الکترونیک داشته است و یا بداند که فیسبوک از مطرح‌ترین استارت‌آپ‌هایی است که همیشه برای نام بردن از استارت‌آپ‌های موفق مورد مثال واقع می‌شود. در اینجا بحث آکادمیک بودن دروس مشخص می‌شود.

البته این بحث اثبات شده‌ای نیست که هر فردی با رفتن به دانشگاه و مدرسه توانسته است کارآفرین شود و با بسیاری از رشته‌ها و انسان‌های جالب آشنا شده و با الگو برداری، راه آن‌ها را ادامه داده است، منتهی نمونه‌های بسیار زیادی هستند از کسانی که به طور مثال با رشته یا اصطلاح جدیدی در دانشگاه آشنا شده‌اند و توانسته‌اند در کارشان موفق شوند.

تحصیلات در توسعه اقتصادی کشور و سرمایه‌های انسانی آن اهمیت بسزایی دارند. تحصیلات عنصر مهمی در توسعه انسان‌ها و بهبود مهارت و دانش آنهاست. در بررسی‌های صورت گرفته در تایوان، که داده‌های سال‌های ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۰ را بررسی کرده است اثر مثبت تحصیلات عالی بر توسعه اقتصادی را تایید می‌کند و به ویژه اشاره دارد که فارغ‌التحصیلان مهندسی و علوم طبیعی نقش بارزی در فرآیند توسعه آن کشور داشته‌اند. در پژوهشی دیگر که تجربه کشورها را برای دوره‌های بیش از ۶۰ سال در نظر گرفته است، نشان داده می‌شود که گسترش تحصیلات عالی را می‌توان برای کشورهای سوئد، بریتانیا، ژاپن و فرانسه عامل توسعه اقتصادی دانست، ولی برای ایتالیا و استرالیا چنین نیست. به بیانی

دیگر، رابطه سرمایه‌گذاری و افزایش ظرفیت‌های آموزش عالی و توسعه اقتصادی پیچیده است و در تمامی کشورها نمی‌توان انتظار نتیجه یکسان داشت. با توجه به این که نتایج تحقیقات متعدد در کشورهای مختلف دنیا نشان داده است که بخش عمده دانش، بینش، مهارت‌ها و توانایی‌های مرتبط با خصلت و رفتار کارآفرینی اکتسابی و قابل آموزش است، این موضوع به عنوان یک عامل بسیار مهم و تأثیرگذار در توسعه اقتصادی مورد عنایت خاص دانشگاه‌ها و محافل توسعه در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه قرار گرفته، به طوری که تنها در آمریکا در بیش از ۶۰۰ دانشکده و دانشگاه دوره‌های آموزش کارآفرینی ارائه می‌گردد.

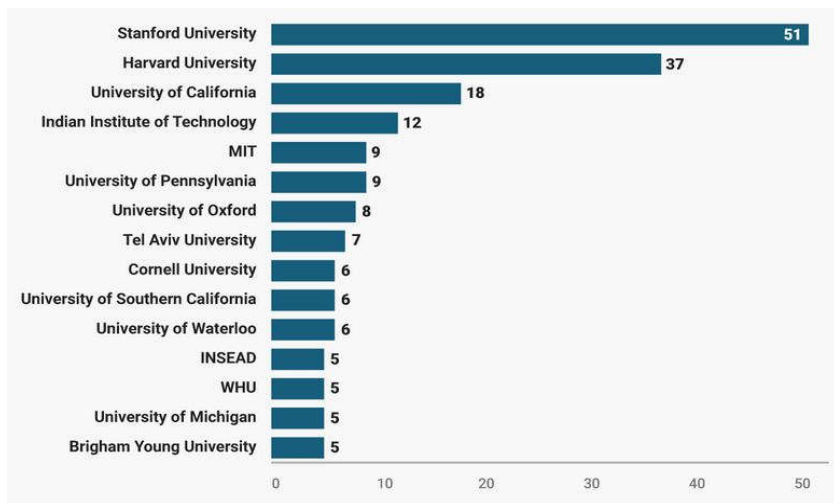
گذشته از کشورهای توسعه‌یافته، تجربه آفریقا نیز خواندنی است و تصویری از نقش آموزش عالی را برای مراحل آغازین توسعه فراهم می‌آورد. در کشورهای توسعه نیافته هرچند اولویت بر آموزش‌های ابتدایی است، باز نمی‌توان از اهمیت گسترش آموزش عالی غافل شد.

در تحقیقی از دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۶ نشان داده شده است که در چنین کشورهایی هم سرمایه‌گذاری روی آموزش عالی در بهبود رفاه عمومی بسیار موثر است و گسترش آموزش عالی و توسعه اقتصادی رابطه دارند. اما کارچندان ساده نیست، در پژوهش جامع دیگری در سال ۲۰۱۵ مشخص شده است، حتی در کشورهای آفریقایی کمتر توسعه‌یافته نباید رابطه تحصیلات عالی و توسعه اقتصادی را یک سویه و ساده دید و کشورهای مختلف با توجه به مهارت‌های در دسترس و شبکه شرکت‌های موجود، اقتضائات بسیار متفاوتی دارند. گسترش آموزش عالی برای توسعه اقتصادی کشور در آینده البته اهمیت دارد، ولی بسیاری عوامل اساسی هم دست اندرکارند. تعداد دانشجویان و مقاله‌ها و

مانند آن البته گویای حقایقی است، ولی به نظر می‌رسد مسائل کلان ساختاری اهمیت بیشتری دارند، مسائلی مانند پیوند فرآیند دانش‌آفرینی و ایجاد ثروت، چگونگی ارتباط دانشگاه‌ها با دیگر نهادها و کیفیت و کاربردی‌تر کردن آموزش عالی را باید جدی‌تر گرفت. توسعه اقتصادی ایران ربط چندانی با تعداد شهروندان دانشگاه رفته آن ندارد، بلکه بیشتر به این بستگی دارد که آنها تا چه حد توانمندی ایجاد ثروت و فعالیت در عرصه بین‌المللی را دارند.

در چند سال اخیر به خصوص با شکل‌گیری استارت‌آپ‌ها دانشگاه‌ها نیز کمی نسبت به گذشته فعال‌تر نشان داده‌اند. مدیران دانشگاه‌ها با برنامه‌ریزی‌های خود به فکر گسترش بیشتر و شکل‌دهی به استارت‌آپ‌ها و تبدیل آن‌ها به یک کسب و کار سودده هستند. در ایران نیز برخی دانشگاه‌های بزرگ کشور مانند دانشگاه صنعتی شریف، برنامه‌های شتابدهی به استارت‌آپ‌ها با جدیت دنبال می‌کند. هر چند کارشناسان معتقدند شتابدهنده‌های خصوص نسبت به شتابدهنده‌های دولتی از مزایا و برتری بیشتری برخوردار هستند.

طی تحقیقات انجام شده در سطح جهانی، ۱۵ دانشگاهی که افراد کارآفرین در این دانشگاه‌ها تحصیلات خود را تکمیل و یا نیمه تمام گذاشته‌اند و امروزه صاحب کسب و کار میلیارد دلاری هستند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. کسب و کارهایی مانند اوبر، دراپ باکس، اسنپ، ایر بی ان بی نیز شامل این لیست می‌شوند. همان‌طور که در تصویر مشخص است دانشگاه استنفورد، جایی است که ۵۱ نفر از بنیان‌گذاران کسب و کارهای میلیارد دلاری مانند ایلان ماسک در آن مشغول به تحصیل بوده‌اند. البته ایلان ماسک چندی بعد تحصیلات خود را ناتمام گذاشت. رتبه بعد متعلق به هاروارد می‌باشد که مارک زاکربرگ و بیل گیتس معروف‌ترین افرادی بودند که هاروارد را رها کرده و به کار خود مشغول شدند.



قدری تامل کنید و به این فکر کنید که اگر زاکربرگ به تحصیلاتش در دانشگاه ادامه می‌داد و آن را نسبت به کارش جدی‌تر می‌گرفت، شاید الان به عنوان کارمند در شرکتی که فعالیت آن همچون فیسبوک بود فعالیت می‌کرد تا به عنوان یک شخص تاثیرگذار و مهم در زندگی میلیاردها نفر از انسان‌ها.

تحصیلات میزان و ملاک موفقیت افراد در آینده نمی‌باشد و برای مثال موفقیت آن‌ها را در عرصه مالی و ثروت به هیچ وجه تضمین نخواهد کرد.

بر طبق تحقیقات مجله فوربس، از ۴۰۰ ثروتمند دنیا ۶۳ تن از آنها کارآفرینانی می‌باشند که هرگز مدرک دانشگاهی نگرفتند و میانگین ثروت خالص آدم‌هایی که ترک تحصیل کرده‌اند، بسیار بالاتر از همسالانشان است که مدرک دانشگاهی دارند. ترک تحصیل کنندگان میانگین ثروت ۴/۸ میلیارد دلار و آدم‌هایی که مدرک دانشگاهی دارند، میانگین ثروتی حدود ۱/۵ میلیارد دلار داشته‌اند. وقتی ثروت ترک تحصیل کنندگان با افرادی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند، مورد مقایسه

قرار می‌گیرد، ثروت خالص ترک تحصیل‌کنندگان، ۲۰۰ درصد بالاتر بود. جدول زیر تعداد افراد فارغ‌التحصیل از رشته‌های مختلف و همچنین ترک تحصیل‌کنندگان را نشان می‌دهد. در بین این رشته‌ها، فارغ‌التحصیلانی با مدرک حقوق و فوق‌لیسانس‌های رشته‌های علوم انسانی و هنر نیز وجود داشتند که ما در جدول زیر آن‌ها را نمایش ندادیم.

تعداد	مدرک تحصیلی
۲۷	فارغ‌التحصیل دبیرستان
۳۶	انصراف از دانشگاه
۱۶۱	فارغ‌التحصیل دانشگاه
۲۱	PHD
۸۴	MBA

با این همه، کماکان بودجه‌های چند هزار میلیاردی برای مدارس و دانشگاه‌ها تعیین می‌شود. این در حالی است که برخی مبلغ این بودجه‌ها را کم می‌دانند و خواهان افزایش آن هستند. آن‌ها تنها مدارس را راهی برای فرار از بیکاری و جامعه‌ای مطلوب می‌دانند، در حالی که آمار ترک تحصیل‌کنندگان در مدارس بسیار زیاد است.

از سوی دیگر بودجه و توجه مناسبی به کارآفرینی نمی‌شود. هر چند در سال‌های گذشته دولت‌ها نگاه بهتری به افراد کارآفرین داشته‌اند. کارآفرینی از نظر دولت مورد تایید می‌باشد، چرا که به علت قابلیت اشتغال‌زایی، به کاهش نرخ بیکاری که از اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی دولت‌هاست، کمک می‌کند. اما برای توسعه اقتصادی مناسب‌تر، باید نگاه ویژه‌ای به این گونه افراد شود.

سخن ما بحث چرایی بودجه دادن به مدارس و دیگر مراکز آموزشی نمی‌باشد، بلکه منظور، جایگاه مهم کارآفرینی است که باید همانند مدارس مورد توجه باشد. امروزه ۱۶۵ میلیون کارآفرین در سنین ۱۸ تا ۲۵ سال و در مراحل اولیه کارآفرینی قرار دارند و تمایل به سمت کارآفرینان جوان است، پس واجب است تا ما نیز در این راستا گام‌های محکم‌تر و موثرتری برداریم.

از دلایل مهم دیگری که کمتر به آن توجه شده است و به نوعی با مسائل روانشناسی در ارتباط است، شاد نبودن محیط‌های آموزشی، به ویژه مدارس است. کافی است تا دانش‌آموزان خبری مبنی بر تعطیلی مدارس را بشنود، آنگاه است که غوغا می‌کنند و سر از پا نمی‌شناسند. حتی این موضوع برای کارمندان و معلمان نیز مصداق پیدا می‌کند.

مدارس هنوز هم ساختار سنتی و قدیمی خود را دارند و این ساختار قادر به تکامل فرآیند کارآفرینی نیست. بلکه ضرورتاً آموزش باید از طریق انجام و ایجاد فرصت‌ها دانش‌آموزان را فعالانه در کنترل و قالب موقعیت‌های یادگیری مشارکت دهد. ما کماکان به ادامه همان روشی پایبندیم که در سال‌های گذشته از آن استفاده می‌کردیم. روشی که خیلی نتیجه بخش نبوده است.

به جرات می‌توان گفت مدارس نسبت به صد سال گذشته تغییر آنچنانی نداشته‌اند. در همان صد سال گذشته نیز افرادی در کلاس یا همان مکتب خانه‌های قدیم جمع می‌شدند و فردی با عنوان آموزگار برای آن‌ها دروسی را تدریس می‌کرد و سپس از تمامی دانش‌آموزان آزمون‌هایی گرفته می‌شد و در آخر کسانی که نمرات مورد قبول را دریافت نمودند، به مقاطع بالاتر تحصیلی می‌رفتند. آیا باز هم می‌گویید هیچ تغییری نکرده است؟

معلمانی که در ساعات و دقایق معینی دروسی را که مورد علاقه دانش‌آموزان

نیست و بدون آن که خروجی مناسبی داشته باشد، درس می‌دهند و این برای دانش‌آموزان عذاب آور است. نبود برنامه‌های مفرح تفریحی، کمتر شدن نقش هنر در مدارس مانند اجرای تئاتر، استفاده کردن از وسایل آموزشی قدیمی به جای تکنولوژی، آشنا نبودن دبیران به فناوری‌های روز برخلاف دانش‌آموزان، محیط مدرسه را برای آنان خسته کننده رقم خواهد زد. حال این محیط را با ایجاد کسب و کار خودمان مقایسه می‌کنیم:

۱. در محیط کسب و کار ما تلاش می‌کنیم تا بتوانیم با انجام کار گروهی به نتیجه دلخواه برسیم و تعداد مشتری‌های بیشتری به دست آوریم و آن‌ها را به مشتریان وفادارمان تبدیل کنیم
۲. ما ایده‌ای در سر داشتیم و آن ایده را به یک کسب و کار تجاری تبدیل کرده‌ایم و با این کار احساس آرامش و شادی بیشتری خواهیم داشت
۳. اگر شما در مدرسه تکلیف یکی از دروسی را که به آن علاقه ندارید انجام ندهید با جریمه مواجه خواهید شد و این در ذهن شما تاثیر منفی خواهد داشت
۴. اگر در مدرسه مورد خشم یکی از معلمان قرار بگیرید، هیچ‌وقت نمی‌توانید آن را از ذهنتان پاک کنید. در نتیجه باز هم از علاقه شما کاسته خواهد شد. اما اگر مورد خشم یکی از مشتریان خودتان واقع شوید تجربه‌ای بسیار بزرگ در جهت اهداف کارتان خواهید داشت و شما تلاش کردن بیشتر را فرا خواهید گرفت
۵. با کارآفرینی خودتان برای خودتان تصمیم‌گیری می‌کنید، نه بر خلاف مدرسه که افرادی به شما دستور انجام کارهای بی‌مورد را می‌دهند
۶. تغییر ذهنیت شما از کارمندی به کارآفرینی

۷. خلاقیت بیشتر، شادی بیشتر

با گسترش اینترنت و وجود میلیون‌ها وبسایت و برنامه‌های موبایلی، انسان‌ها سریعتر توانسته‌اند به منابع اطلاعاتی مفید دست پیدا کنند. اینترنت فرصت بی‌شماری را برای کارآفرین‌ها به وجود آورده است تا آن‌ها به جای سرفصل‌های قدیمی و کهنه دانشگاه‌ها، بتوانند به دنیایی از اطلاعاتی که کامل‌تر از دروس دانشگاهی است دسترسی داشته باشند. برنامه‌های درسی برای آموزش کارآفرینی مناسب نیستند. زمانی که تعلیم و تربیت با بازده‌های رفتاری مطلوب مرتبط است، پس شکاف و فاصله‌ای بین تعلیم و تربیت و بازده‌های رفتاری وجود نخواهد داشت. به منظور ایجاد آموزش و انگیزه‌های کارآفرینی در بین دانشجویان، آن‌ها باید با ابهام و پیچیدگی مواجه شوند. باید یاد بگیرند که مشکلات را بیابند و به همان خوبی آن‌ها را برطرف کنند. باید به تجربه‌های کاری دسترسی داشته باشند. کارآفرین باید مطالعه وسیع داشته باشد تا بتواند از عهده بسیاری از کارها برآید و با بسیاری از شرایط آشنایی داشته باشد. لزوماً مطالعه سرفصل‌های معرفی شده در دانشگاه به او دیدگاهی مفید برای موفق شدن را نمی‌دهد، بلکه مطالعه کتاب‌ها، مقالات و جستجوهای مطالب در اینترنت در بسیاری از موارد کارسازتر است و جواب شفاف و روشن‌تری به ما می‌دهد.

مطالعاتی در سال ۲۰۱۰ نشان داد که دانشجویان از نظم مطالعاتی و استفاده صحیح و به موقع از فناوری ارتباطات و اطلاعات در تدریس محتوای آموزش، نقش مثبت و معناداری در برقراری ارتباط با ویژگی‌های محیط و محتوای آموزش داشته و در افزایش نرخ کارآفرینی و راه‌اندازی بنگاه‌های کسب و کار نقش موثری ایفا می‌نماید.

در تحقیق دیگری در سال ۲۰۱۲، نشان می‌دهد که از علل اصلی نرخ ناچیز

کارآفرینی، روش‌های سنتی تدریس و ارزشیابی دانشجویان است. همچنین کیفیت پایین اساتید و معلمان، نیز نقش پررنگی در کاهش کیفیت و توانمندی‌های دانشجویان دارد.

در عصر حاضر که به عصر اطلاعات معروف است و در جامعه‌ای که جامعه اطلاعاتی نام نهاده شده است، مهارت دستیابی موثر به اطلاعات مورد نیاز، با صرف حداقل زمان و هزینه، یک مهارت ارزشمند و اساسی برای همه افرادی است که به دنبال کارآفرینی هستند، مهارتی که امروزه آن را سواد اطلاعاتی می‌نامند.

سواد اطلاعاتی مجموعه‌ای از توانمندی‌هاست که افراد را قادر می‌سازد دریابند چه موقع به اطلاعات نیاز دارند و نیز توانایی مکان‌یابی، ارزیابی و به کارگیری موثر اطلاعات مورد نیاز را فراهم می‌سازد. سواد اطلاعاتی شامل پنج مولفه اصلی است:

۱. توانایی تعیین ماهیت و وسعت اطلاعات مورد نیاز
 ۲. توانایی دسترسی موثر و کارآمد به اطلاعات مورد نیاز
 ۳. توانایی ارزشیابی نقادانه اطلاعات و منابع آنها
 ۴. به کار بردن و استفاده از اطلاعات برای رسیدن به یک منظور خاص
 ۵. توانایی درک موارد حقوقی و اقتصادی مربوط به استفاده از اطلاعات
- داشتن چنین مهارت‌هایی اولین و مهم‌ترین گام در جهت خلق ایده‌ها و در نهایت کارآفرینی است.

قابلیت‌های سواد اطلاعاتی مشتمل بر پنج استاندارد و ۲۲ شاخص عملکردی است. استانداردهای سواد اطلاعاتی عبارتند از:

استاندارد ۱. دانشجوی باسواد اطلاعاتی، ماهیت و گستره اطلاعات مورد نیاز را

تشخیص می‌دهد.

استاندارد ۲. دانشجوی باسواد اطلاعاتی، به شکل موثر و کارآمد به اطلاعات مورد نیاز دست پیدا می‌کند.

استاندارد ۳. دانشجوی باسواد اطلاعاتی، اطلاعات و مآخذ آن را به صورت منتقدانه ارزیابی و اطلاعات انتخاب شده را بر مبنای دانش و نظام ارزشی خود تلفیق می‌کند.

استاندارد ۴. دانشجوی باسواد اطلاعاتی به صورت انفرادی یا به عنوان عضوی از یک گروه، اطلاعات را برای انجام یک مقصود خاص، به صورت موثر مورد استفاده قرار می‌دهد.

استاندارد ۵. دانشجوی باسواد اطلاعاتی، بسیاری از موضوعات اقتصادی، حقوقی و اجتماعی مربوط به استفاده از اطلاعات را درک و با رعایت اصول اخلاقی و قانونی، به اطلاعات دسترسی می‌یابد و از آنها استفاده می‌کند.

کارآفرینی به مفهوم بهره‌گیری از فرصت‌ها، با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش مخاطره‌های مالی، روانی و اجتماعی است. نکته حائز اهمیت آن است که بهره‌گیری از فرصت‌ها در درجه اول مستلزم شناخت فرصت‌ها و همچنین ویژگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای استفاده از این فرصت‌هاست و این شناخت و آگاهی، مستلزم کسب اطلاعات است.

سواد اطلاعاتی به عنوان ابزار دستیابی به دانش و اطلاعات، در شناخت فرصت‌ها و بهره‌گیری از آنها، به کارآفرینان کمک شایانی می‌کند و این نقطه اشتراک سواد اطلاعاتی و کارآفرینی است.

رفتن یا نرفتن به دانشگاه، تصمیم آن با خود شما، اما موردی که از دانشگاه رفتن نیز بسیار اهمیت دارد، رشد شخصی است. نداشتن برنامه‌ریزی برای رشد شخصی

یکی از علل بیکاری فارغ‌التحصیلان در عدم کسب مهارت است. حتی بسیاری از افرادی که به کارآفرینی علاقه دارند و قصد دارند کسب و کار خود را راه‌اندازی کنند، نقاط ضعفی را در برابر خود احساس می‌کنند که با برنامه‌ریزی صحیح برای رشد خود، می‌توانند به اهداف مدنظر برسند.

رشد شخصی از جمله مواردی است که همواره در ذهن همگان وجود دارد. هر بار که با فردی صحبت می‌کنیم، خواه ناخواه گفتگو به این موضوع کشیده می‌شود، اینکه چگونه رشد بهتری داشته باشیم و روی چه عواملی کار کنیم تا رشد شخصی بهتری را تجربه کنیم. مسیر پر پیچ و خم زندگی همواره ما را در مسیر رشد قرار می‌دهد. هر روز که از زندگی ما می‌گذرد، خوب یا بد، کم یا زیاد، چیزهای جدیدی یاد می‌گیریم. افرادی را می‌بینیم که کارهایی انجام می‌دهند، از آنها یاد می‌گیریم، مشکلاتی را مشاهده می‌کنیم، راه‌هایی را ابداع می‌کنیم و ... پس ما همیشه در حال رشد هستیم، حتی اگر خودمان ندانیم. منتهی علت اینکه برخی به دنبال یادگیری روش‌های رشد شخصی هستند، برای این است که روند حرکت و رشد را تسریع کنند.

افرادی که برای ارتقاء سطح توانمندی‌هایشان اهمیت قائل هستند و در این زمینه تلاش می‌کنند، همواره افراد شاخصی به شمار می‌آیند. در واقع کسی که به توسعه دامنه توانمندی‌هایش توجه می‌کند، زندگی و اطراف خود را دچار تغییرات عمده‌ای خواهد کرد و این تغییرات باعث می‌شود که متمایز از دیگران باشد، جایگاه اجتماعی بهتری داشته باشد، حرکت آگاهانه در مسیر اهداف خود ترسیم کند.

حرکت در مسیر رشد و تعالی زمان بردار نیست. برخی از عوامل با قدرت فیزیکی و ذهنی افراد سر و کار دارند، بدیهی است هرچه مشغولیات ذهنی کمتری

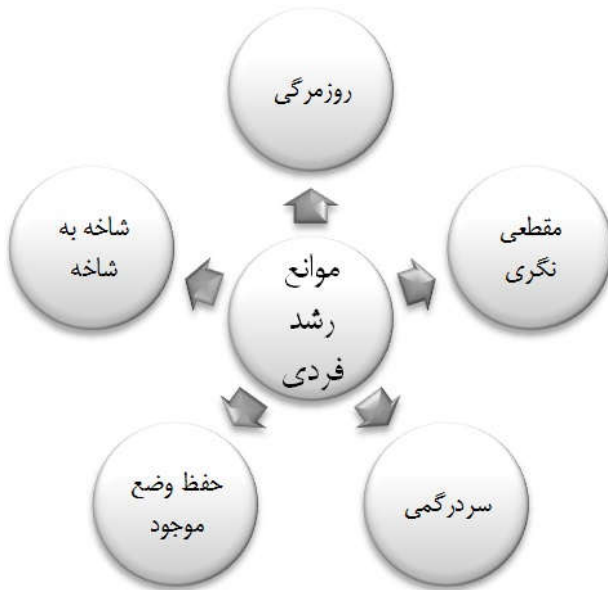
داشته باشید بهتر می‌توانید فرآیند فکر کردن را بهبود ببخشید و یا هرچه مسئولیت‌های کمتری بر عهده‌تان باشد فراغ بال بیشتری برای یادگیری و آموزش‌های آزاد دارید.

ولی اینها دلیل نمی‌شود که خودمان را، با هر سنی، از مسیر رشد دور کنیم. مثلاً بسیاری از افراد موفق در دنیا بوده‌اند که رشد شخصی و کاری‌شان را بعد از بازنشستگی تازه آغاز کرده‌اند. برخی دیگر در سنین میانسالی. در زندگی این افراد بگردید، می‌بینید که اراده مصمم آنها نگذاشت خسته و دل‌سرد و ناامید شوند.



رشد شخصی قدم اولی است که هر فرد موفق باید بردارد. این قدم خود دارای ریزه‌کاری‌ها و خرده‌گام‌هایی است که باید آن‌ها را با جان و دل بپذیریم. در این مسیر عواملی هست که باید آن‌ها را در نظر گرفت و موانعی که باید تشخیص داد و از آن‌ها گذشت. رشد شخصی محدود به سن خاصی نیست و هر کسی توان

برداشت بهترین نتایج را دارد، اگر خود بخواهد.



در گذشته هر فردی که مدرک دانشگاهی در دست داشت، باسواد قلمداد می‌شد. امروزه این مفهوم دستخوش تغییرات شده است. سواد کافی داشتن تنها با رفتن به دانشگاه و اخذ نمرات عالی نیست. در طول این کتاب اشاره کردیم که سواد اطلاعاتی، مهارت‌های مذاکره، ارتباط با افراد جامعه، شناخت آن‌ها و بسیاری عوامل دیگر از جمله ملزومات سواد امروزی است.

علاوه بر این‌ها اینترنت می‌تواند جایگزین مناسبی برای دانشگاه‌ها باشد. دانشگاه‌ها بیشتر برای شبکه‌سازی و روابط اجتماعی باید مورد نظر کارآفرینان قرار بگیرد تا کسب دانش. همه بر این امر واقف هستیم که اینترنت منبع عظیمی از اطلاعات و دانش‌های مهم و به روز دنیا را به طور رایگان در اختیارمان قرار می‌دهد.

برای کارآفرین شدن نیازی به مدرک و تحصیلات نیست. بلکه بازهم تاکید می‌شود که تنها تلاش و کوشش شرط پیروزی در این عرصه را برای شما رقم خواهد زد. این خود شما هستید که باید برای خودتان تصمیم‌گیری کنید، نه افراد دیگر. اجازه ندهید که آن‌ها کنترل سرنوشت شما را در دست بگیرند و شما را از اهدافتان دور نمایند.

انسان‌هایی که قوی هستند خودشان می‌خواهند مشکلاتشان را حل کنند اما انسان‌های ضعیف منتظر می‌مانند تا فردی برای آنها کاری کند.

جوامع تنها افراد مدرک به دست نمی‌خواهد، بلکه جامع امروزی به خصوص کشور عزیزمان ایران نیاز به کارآفرینی دارد که بتوانند در این عرصه، به چرخه اقتصاد و اشتغال کشور کمک کنند. اگر شما قلبا و عمیقا به کاری که انجام می‌دهید ایمان داشته باشید و اهداف خود را مشخص کنید، حتما موفق خواهید شد و نیازی نیست نسبت به داشتن مدرک دانشگاهی حساسیت به خرج دهد. با خودتان رو راست باشید. اگر فکر می‌کنید تحصیلات می‌تواند کمک بسیاری به شما در راه‌اندازی کسب و کارتان داشته باشد، پس آن را ادامه دهید، اما اگر به آن علاقه‌ای ندارید بهتر است فقط بر روی ایده‌ای که دارید، کار کنید و آن را به یک مدل تجاری و سودآور تبدیل نمایید.

نکته حائز اهمیت دیگر برای افرادی که می‌خواهند تحصیل را کنار بگذارند این است که بهتر است تفکرات منفی ناشی از آموزش‌های دوران تحصیل را کنار گذاشته و با ذهنی بازتر پا به دنیای کارآفرینی بگذارند.

اگر تحصیلات خود را به اتمام رسانده‌اید و یا در حال تحصیل می‌باشید، نکته‌ای بسیار مهم وجود دارد که نیاز به توجه زیادی دارد. باید بدانیم که چه درس ما تمام شده باشد یا نه، در هر دو صورت تحصیلات ما تازه شروع شده است.

مدرک شما هیچ تضمین خوشبختی به شما نمی‌دهد. به اطراف خود نگاه کنید دنیا مملو از افراد تحصیل کرده است. بسیاری از افرادی که بالاترین مدارک تحصیلی را دارند. ورشکسته، بیمار، افسرده و تنها از زندگی خود ناراضی هستند. بدون در نظر گرفتن این موضوع که در دنیای امروز که سریعاً در حال تغییر است، درس‌هایی که شما در دانشگاه آموخته‌اید منسوخ و قدیمی محسوب شده‌اند، حتی قبل از آن که جوهر امضای مدرک فارغ‌التحصیلی شما خشک شود. موفقیت با آموخته‌های شما در دانشگاه به دست نمی‌آید. موفقیت با دست‌آوردهای شما از لحظه‌ای که از دانشگاه خارج می‌شوید، به دست خواهد آمد. شما از آموختن و آموزش دیدن خسته شده‌اید، زیرا در بیست سالی که زندگی خود را در مراکز آموزشی گذرانید انسان‌های دیگر به شما می‌گفتند که چکار کنید، چه چیزی بیاموزید و حتی چگونه فکر کنید. این حس بسیار بدی است. واقعا از اینکه زمان شما توسط کتاب‌های درسی و معلمان تحت تاثیر قرار بگیرد، خسته شده‌اید. مدت‌ها منتظر روزی بودید که مدرک خود را بگیرید و آزاد شوید و از آموزش‌های اجباری رها شوید.

اما از این پس آزادانه انتخاب کنید چه چیزهایی یاد بگیرید تا در زندگی موفق شوید. آموزش واقعی را آغاز کنید.

کسی که دست از یادگیری برمی‌دارد، برده افکار دیگران می‌شود. در چنین شرایطی افکار او توسط نظرات اطرافیان او هدایت خواهد شد. آن‌ها مانند عروسک خیمه شب بازی تحت کنترل عروسک‌گردان خواهند بود. اما یادگیری شما متفاوت خواهد بود. تا به امروز انگیزه لازم برای یادگیری از منابع خارجی برای شما تامین می‌شد. یعنی برای بدست آوردن جایزه، گرفتن بهترین نمره، شاگرد ممتاز شدن و یا حتی گرفتن یک تکه کاغذ که اسم مدرک روی آن نوشته

شده است درس می‌خواندید، اما از امروز انگیزه شما باید از درون باشد. مهارت‌هایی را که تمایل دارید باید بیاموزید تا در زندگی شما تاثیر مستقیم بگذارند. برای ساختن، هدایت کردن، تحت تاثیر گذاشتن، تفاوت ایجاد کردن و همچنین برای انجام کارهایی که تمایل دارید برای عزیزان خود انجام دهید. یادگیری باید هر روز به جذابیت یک ماجراجویی برای شما باشد تا منجر به رشد فکری و احساسی شما شود.

هدف شما تنها باید بر روی یادگیری و رشد روزانه خود باشد. کمتر نگران اهداف پنج ساله خود باشید. مهارت‌هایی را که برای رسیدن به خواسته‌های خود نیاز دارید را شناسایی کنید و هر روز آن‌ها را تقویت کنید و پس از مدتی متوجه خواهید شد که از اهدافی که حتی شهادت فکر کردن به آن‌ها را نداشته‌اید، بسیار فراتر رفته‌اید. یادگیری و رشد روزانه یکی از رموز مهم موفقیت است. چه درس خوانده باشید یا نخوانده باشید، تنها باور و اعتقاد شماست که دنیای شما را می‌سازد.

شما کدام را انتخاب می‌کنید، مدرک یا سرنوشت؟

آلبرت اینشتین:

تنها چیزی که در یادگیری من تداخل ایجاد می‌کند، تحصیلاتم است.

مارک تواین:

هرگز اجازه نمی‌دهم مدرسه رفتنم در آموزش من تداخلی ایجاد کند.

یوهان ولفگانگ فون گوته:

سرانجام ما بخشی از مطالعاتمان را که عملاً انجام داده ایم را حفظ می‌کنیم.

آبراهام مازلو:

آموزش و پرورشی که هویت راستین آدمی را بارز نسازد، بی‌ثمر است.

نیچه:

در مدارس، اندک نشانی از آموزش اندیشه کردن نمی‌توان یافت، حتی در دانشگاه‌ها، حتی در میان شناخته‌ترین فیلسوفان، آری می‌بینم که منطبق به عنوان یک نظریه، کار و تکنیک دارد به سستی می‌گراید.

جان ماکسول:

خلاقیت باعث پرورش قدرت انطباق پذیری می‌شود.

جیمز اپنهایم:

انسان نادان در دوردست‌ها به دنبال شادی می‌گردد، اما انسان دانا آن را در زیر پاهای خود پرورش می‌دهد.

جبران خلیل جبران:

اگر نتوانی با عشق کار کنی و عاشق کارت نباشی، بهتر است کارت را رها کنی، در کوچه بنشین و از کسانی که کارشان را دوست دارند صدقه بگیری.

فرانک زاپا:

اگر می‌خواهید ازدواج کنید به دانشگاه بروید، اما اگر می‌خواهید تحصیل کنید به کتابخانه بروید.

ری بردبری:

من دانشگاه را باور ندارم و باور و اعتقاد من به کتابخانه‌ها بود. آنجا بهترین مکان برای رشد و آموزش من بود.

استنلی کوبریک:

بزرگترین اشتباه مدارس، ترساندن بچه‌ها از نمره گرفتن است.

نیل دگراس تایسون:

ما سال‌های اول زندگی را مشغول به تشویق کودکان برای راه رفتن و حرف زدن می‌کنیم و بقیه عمر خود را به آن‌ها می‌گوییم بنشین و حرف نزن.

نوام چامسکی:

آموزش و پرورش سیستمی است که از جهل تحمیل شده است.

آبراهام لینکلن:

هر چیزی که من آموخته‌ام، از کتاب‌هایی است که خوانده‌ام.

رالف والدو امرسون:

راز آموزش و پرورش در احترام به دانش آموز است.

رابرت کیوساکی:

اگر هدفمان در زندگی پول درآوردن و به ثروت رسیدن است، پس چرا از همان

اول به جای مدرسه رفتن، به دنبال پول نرویم.

منابع

۱. سهیل عباسی، بهمن ۱۳۹۲، علم بهتر است یا استارت‌آپ؟ دانشگاه رفتن بهتر است یا کارآفرینی؟، وبسایت خوشفکری
۲. اردوان نیک آیین، اسفند ۱۳۹۳، چرا نوجوان می داند اما عمل نمی کند، وبسایت میگنا
۳. شبکه اطلاع رسانی دانا، خرداد ۱۳۹۵، آمار ترک تحصیل همچنان درشت و متأثرکننده، آیا در نظام آموزشی اسلام ازدواج از عوامل ترک تحصیل محسوب می شود؟
۴. خانه کارآفرینان ایران، خانواده و کارآفرینی، <http://www.karafarini.ir>
۵. ماهنامه اقتصاد خانواده، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۸۶، خانواده های اروپایی چگونه کارآفرین می شوند؟
۶. پایگاه خبری تحلیلی کلید ملی، شهریور ۱۳۹۴، ارتقا ۱۲ درصدی ایران در کارآفرینی
۷. پرتال اصفهان، وضعیت کارآفرینی زنان در ایران
۸. فرخنده یگانه دلجو، مرداد ۱۳۸۴، کارآفرینی در دانشگاه، باشگاه اندیشه
۹. آموزش کارآفرینی در مدارس ولز، اکتبر ۲۰۱۲، پرشین یورونیوز
۱۰. حسین خلیلی صفا، آبان ۱۳۹۴، گزارش مالی گوگل، وبسایت زومیت
۱۱. سید احمد هاشمی، ابوالفضل عباسی، سید مسلم هاشمی، آذر ۱۳۹۱، تبیین نقش دانشگاه در کارآفرینی در جهت تولید ملی
۱۲. مفاهیم و کلیات کارآفرینی، رضوی نعمت‌اللهی، اقدس‌السادات، روزنامه همشهری، سه‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۴، سال سیزدهم، شماره ۳۶۷۷، صفحه ۱۰
۱۳. باشگاه خبرنگاران جوان، تیر ۱۳۹۵، ناامیدی ۶۵ درصدی جوانان نسبت به شغل یابی
۱۴. جهان آموزش، گزارشی از مدارس فنلاند، یورونیوز
۱۵. ثبت شرکت در فنلاند، europeregister.ir
۱۶. پایگاه اطلاع رسانی روانشناسی و مشاوره ایران، مهر ۱۳۹۵، ایران ۵ برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه دارد

۱۷. وبسایت خبر آنلاین، شهریور ۱۳۹۵، بررسی دهک به دهک هزینه‌های تحصیل برای خانواده‌های ایرانی
۱۸. پایگاه خبری تحلیلی فرارو، آذر ۱۳۹۴، دکترهای بیکار محصول مدارک بی‌ارزش
۱۹. امیرحسین خالقی، آبان ۱۳۹۵، تحصیلات مهم است؟، روزنامه دنیای اقتصاد
۲۰. رابرت کیوساکی، چرا دانش‌آموزان ممتاز برای دانش‌آموزان ضعیف کار می‌کنند و دانش‌آموزان متوسط، کارمند دولت می‌شوند
۲۱. اعظم میرزا صفی، دکتر سعید رجایی پور، عبدالرسول جمشیدیان، بهار ۱۳۹۰، رابطه بین سواد اطلاعاتی و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان
۲۲. دکتر یونس بادآور نهندی، مصطفی زاهدی، بهار ۱۳۹۱، بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران
۲۳. دکتر کیوان صالحی، دکتر حجت اله مرادی، مرداد ۱۳۹۴، نقش آموزش‌های دانشگاهی در توسعه قابلیت‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان
۲۴. فرزانه واصفیان، محمد جواد لیاقتدار، احمد علی فروغی ابری، محمدرضا عابدی، پائیز ۱۳۸۸، میزان پاسخگویی روش‌های تدریس برنامه درسی دانشگاه‌ها و رفتار کارآفرینی تجربه از نقطه نظر اساتید و دانشجویان
۲۵. عاطفه ذوالفقاری، سید رضا حجازی، آرتا فرهودی، مرداد ۱۳۹۰، جایگاه شرکت‌های زایشی دانشگاهی در توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها
۲۶. تیمور مرجانی، سد صدرالدین صدری، اردیبهشت ۱۳۹۲، توسعه کارآفرینی اجتماعی؛ آسیب‌ها، عوامل موثر و راهکارها
۲۷. علی خاتمی، حامد شاه حسینی، پاییز ۱۳۹۱، وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش
۲۸. محمد تقی انصاری، بهمن فکور، اردیبهشت ۱۳۹۲، موانع محیطی گرایش دانشجویان و دانش‌آموختگان به کارآفرینی

۲۹. دانشکده کارآفرینی، اردیبهشت ۱۳۹۵، نتایج ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی سال ۲۰۱۵ ایران اعلام شد

۳۰. سید محمد حسنی زاده، رشد شخصی چیست- عوامل رشد فردی، وبسایت ۲ برابر

۳۱. خط قرمز، بررسی آموزش و پرورش ایران با حضور دکتر علی عبدالعالی

۳۲. Facts & Figures, europeanfamilybusinesses

۳۳. leila piran, July ۲۰۱۴, Women and Entrepreneurship in Iran, muftah.org

۳۴. Gallup Entrepreneurship & Job Creation Facts & Figures

۳۵. D.Frank Smith, May ۲۰۱۵, ۷ Highlights from Google's First Online Education Conferenc, edtechmagazine

۳۶. Jeremy Anderberg, April ۲۰۱۴, Is College for Everyone? ۱۱ Alternatives to the Traditional ۴-Year College, artofmanliness

۳۷. Abby Jackson, January ۲۰۱۷, Here are the colleges that have produced the most founders of billion-dollar startups, businessinsider

۳۸. Mery Citra Sondari, Is Entrepreneurship Education Really Needed?: Examining the Antecedent of Entrepreneurial Career Intention

